

هفته نامه

پرخاش

تاسیس ۱۳۲۵

شماره ششم - دوره پیروزی - تک شماره ۵۵ ریال

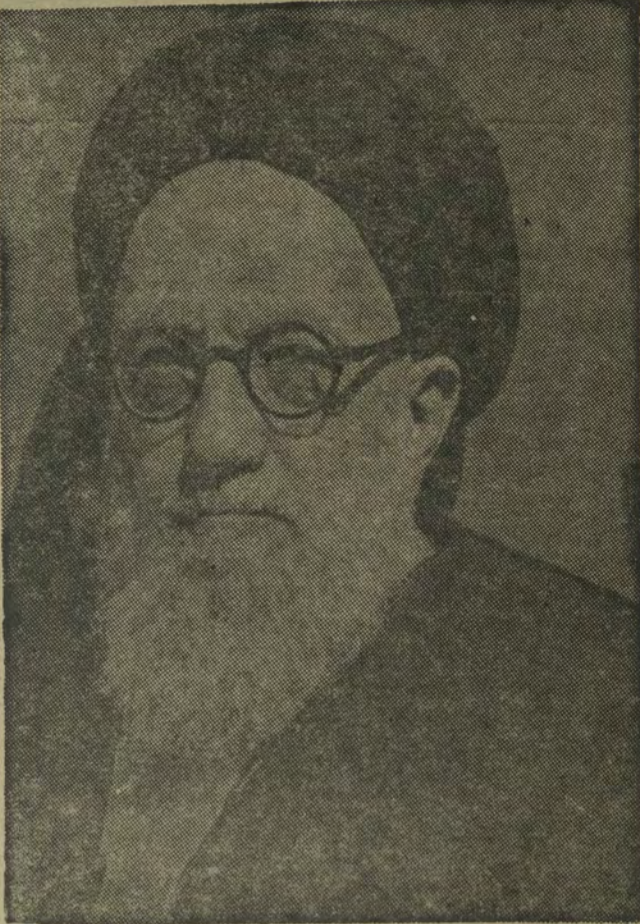
برای خارج از کشور ۲۵ پانس

شنبه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۵۸

مطابق هشتم جمادی الثانی ۱۳۹۹ برابر پنجم ماه می ۱۹۷۹

ترور بهر شکل
و هر مقصود
محکوم است

آقای دکتر سنجابی رهبر جبهه ملی ایران پس از آگاهی از ترور آیت اله مطهری اظهار داشت: ترور از نظر جبهه ملی ایران بهر شکل و بهر مقصود محکوم است و ما هرگز ادامه این ترورها را ولو با سکوت هم تائید نخواهیم کرد



آیت اله العظمی شریعتمداری نقطه ای برای امیدها

قابل توجه امام خمینی رهبر انقلاب عباس محمودی

با سیستم شاهنشاهی

مسئله مسکن حل نمیشود!!

در حالیکه از خزانه مملکت ما بیش از یک میلیارد تومان بافغانستان اردن، پاکستان و دوازده مملکت دیگر مجانی داده شد و بیش از صد میلیارد تومان وام کم بهره به ۲۱ مملکت خارجی داده شد و باید ترتیب فوری و قانونی استرداد این مبالغ هنگفت داده شود.

وزیر خارجه انقلاب اعتمادالدوله را روسفید کرد

در صفحه ۷

تمسک برآه حلهای شاهنشاهی برای از بین بردن مشکلات مملکتی بی گمان نتیجه ای جز آنچه رادیو، تلویزیون و روزنامه ها عنوان کنند ندارد و با واقعیت های قابل لمس در جامعه مغایر خواهد بود! هم اکنون برای خانه سازی که یکی از مهمترین کمبودهای جامعه امروزی ما است وسایل ارتباط بقیه در صفحه ۲

هرگونه تروری را محکوم میکنیم و ادامه ترور و وحشت را که زائیده نوعی بی دولتی است محل با استقلال کشور می شناسیم

هرگونه تروری را محکوم میکنیم و ادامه ترور و وحشت را که زائیده نوعی بی دولتی است محل با استقلال کشور می شناسیم. آقای مهندس بازرگان باید بدون درنگ کابینه خود را ترمیم کند و با فرا خواندن عناصر شایسته و مقتدر دولت خود را بیک دولت توانای وحدت ملی مبدل سازند و هرچه زودتر مسئله خلع سلاح را در سراسر کشور بموقع اجرا بگذارند. ادامه این ترورها ضد انقلاب را خوشحال و باقیمانده های رژیم کثیف و معدوم را در ادامه تحریکاتشان تشویق خواهد کرد.

بهای پرخاش ده ریال

چون با مقداری آگهی هم کمکی به هزینه های روزنامه شده است و هم مقداری از مطالب روزنامه کسر گردیده بهای روزنامه مجدداً بده ریال تنزل داده شد.

گل بود و به سبزه نیز آراسته شد قابل توجه تیمسار ریاحی و آقای دکتر مدنی

خبرنگار ما از نیویورک اطلاع میدهد که از سپرده نیروی دریائی ایران مبلغ هشت میلیون دلار بحساب شخصی آقای محمد سروی منتقل گردیده و هم چنین مبالغ دیگری نیز از اعتبارات ارتش بحساب شخصی آقای شهریار روحانی منتقل کرده اند گفته شده است آقای محمد سروی از همکاران نزدیک شهریار روحانی است و آقای حلزنی سرپرست سفارت نیز از موضوع آگاهی یافته و جریان را بحضور حضرت آیت اله العظمی خمینی و وزارت امور خارجه گزارش داده است. از تیمسار ریاحی وزیر دفاع و مدنی فرمانده نیروی دریائی می خواهیم چگونگی امر را برای آگاهی مردم اعلام دارند.

آقای بازرگان: این تبعه آمریکای در دولت شما چه میکند؟

از دنیای خارج انتخابات انگلستان و مشکلات پیچ در پیچ حمید - لندن

آیت اله مطهری دومین قربانی ترور ریسیم

بروان پاک شهادی آزادی درود میفرستیم و آیت اله مطهری را شهید برجسته انقلاب ایران می شناسیم درخ و افسوس داریم که پس از دادن شخصیت هزار قربانی باز هم شاهد درخون غلطین رهبران نظامی و دینی خود هستیم، اطمینان داریم اگر ضعف فراوانی که در برابر ترور ریسیم نشان داده ایم ادامه یابد باید شاهد هرج و مرج و بی نظمی و تفوق تجزیه طلبی در کشور باشیم یا منتظر ظهور یک دیکتاتور و چون مردم از این وضع بیجان آمده اند از دولت می خواهیم با قاطعیت کانون ترور را در ایران نابود کند.

هرچه به روز سوم ماه مه نزدیکتر می شویم کار مبارزات انتخاباتی در انگلستان بالاتر میگردد. هرچه نتیجه انتخابات هرچه که باشد تاثیر چندانی در وضع ایران نمیکند اما شاید شیوه انتخابات این خلاق چیز برای آموختن داشته باشد. علی الخصوص که ایرانیانی که سن آنها زیر چهل و سه سال است در واقع در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده اند و در حقیقت بیش از نیمی از مردم بقیه در صفحه ۷

آقای بازرگان، مملکت قحط الرجال نیست. شما دنبال آنها نیستید

از شادروان حسن قوامی زاده

خدا برد؟

خاله قزی، چادر یزدی، تنبان قرمزی، خدا برد؟؟

نقل از قصه خاله سوسکه....

خاله قزی در چهار دیوار خانه در و استقلال روح و فکر وقتی با خاله بند اسارت بسر میرد آزادی، مساوات بقیه در صفحه ۷

تحمل رویه مابرای آقای مهندس بازرگان و همکارانشان استاتر گردد چه هنگامیکه مادلوت موجود را در شان حکومت مصدق قرار بدهیم این توقع را هم داریم که اعضا دولت نیز چون دکتر مصدق تحمل مارا داشته باشند و صراحت مارا در برابر صداقت مان پذیرا گردند تا با انتقاد قاطع و صادقانه نقاط ضعف حکومت بررسی و انشاءاله در صدد رفع آن بایند.

یک سابقه تاریخی در اوائل سال ۱۳۳۰/ درست همین ماهها بود که اولین کابینه ملی بریاست دکتر محمد مصدق و با اعضای بزرگ مانامتنجانس تشکیل شد که اگر اشتباه نکنیم امیرهمایون بوشهری هم در شمار وزرای پیشوا قرار داشت - وزیریکه متهم (توجه کنید بکلمه) بیجانسداری سیاست انگلستان بود و قهرا این انتخاب بر جوانان هوادار آقای دکتر مصدق گران آمد که با تکیه بگفته خودشان که فرموده بودند با سرباز انگلیس نمیشود بجنگ انگلستان رفت بطور دسته جمعی بحضورشان رفتیم و اعتراضمان را باتندی و قاطعیتی که لازمه سن و سال ما بود در میان گذاشتیم پیشوا با حوصله همه مطالب را گوش دادند و هنگامیکه در کلام مادرشٹی بیش از حد بکار میرفت طبق رویه چشمها را برهم می نهادند و بالاخره با وقاریکه از مشخصاتشان بود مارا متوجه مشکلات دولت کردند که اولین آن گرفتن رای از آن مجلس معروف بود مجلسی که جمال امامی لیدر آن بود دولتی که وظیفه ای در مذاکره با انگلستان در پیش داشت شاید دولت میخواست که زبان انگلیسیها را بهتر بفهمد و در ابتدای تشکیل دولت ملی امید انگلیسها را مبدل بیاس



با سیستم شاهنشاهی مسئله مسکن حمل نمیشود

بقیه از صفحه ۱

یک میلیون خانه حالا کمتر یا بیشتر در همین حدود معلوم است که چه خرج هنگفتی دارد ما در این مقاله مشکل مسکن را فقط از بعد هزینه‌های آن بررسی می‌کنیم و میبینیم برای رفع آن متوسل به محروم‌ترین طبقات جامعه که خود آنها باید یاری شوند میگردند یعنی اگر یک روز حقوق و دستمزد آنها دیرتر داده شود کم‌شان زیر بار قرض خورد میشود دردی را دوا نمیکند این سیستم علاوه بر اینکه این طبقه را مستاصل‌تر میکند من حیث المجموع دردی را هم دوا نخواهد کرد و در حد ارائه یک ژست همکاری قابل توجه و تقدیر است

حالا هرچه در روزنامه‌ها با بوق و کرنا بنویسند و در رادیو و تلویزیون بچشم مردم حفته کنند که کارمندان فلان واحد و یا کارگران بهمان کارخانه، یک روز حقوق برای خانه سازی داده اند مسلما دردی را دوا نخواهد کرد چه مجموع این مبالغ در مقابل کمبود مسئله مسکن متأسفانه بسیار ناچیز است. برای ایجاد اعتبار جهت رفع مشکل مسکن باید دایره فکر را وسیعتر کرد و برای این طبقه محروم که مهمترین عامل ایجاد انقلاب بوده اند تمسود دست پاچه و سرسری و باتکای بلند گره‌های ارتباط جمعی بمیدان آمد. بلکه باید عمیقاً بدنبال راه حل رفت و بفکر تامین اعتبار در سطح نیاز افتاد. به بیند از سال ۵۴ تا مرداد ۵۵ طبق گزارشی که در مقابل اینجانب می‌باشد در سی و سه قلم مبلغ ۹۸۱۶۹/۲۵۰ دلار که مبلغی در حدود یک میلیارد تومان میشود آن مردک مزدور مخط بلا عوض با اختیار واحدا و ممالک خارجی گذارده است که از این حاتم بخشی بافغانستان ۲۵۳۱۸۷۷ دلار و بآوردن هاشمی ۶۶۸۱۲۲۰ دلار و بپاکستان ۸۳۲۱۷۹۸ دلار مفت و مجانی داده شده است!!

حالا ممالک دیگری که حتی نام آنها برای خوانندگان کمتر آشناست مثل جمهوری!! سنگال «گابن» موریانی، زئیر، سوتو، ماله یو، مالت هر کدام به نسبتی که ارباب دستور داده و آنها بشاهنشاه عاری از مهر تملق گفته‌اند مقداری برده و خورده‌اند در ضمن رومانی از بلوک شرق و ممالک فوق العاده مستقل، فجیره، عجمان، مصر هم بی نصیب نمانده‌اند.

وقتی دولت انقلابی بفکر میافتد که حقوق دریافتی و کلای بی موکل را از آنها باز پس ستاند خیلی بجا است که درباره استرداد این وجوه هنگفت نیز از طریق بین المللی اقدام کند. در عین حال حاتم بخشی از حیب ملت بهمین مبالغ کثیر اکتفا نشده و از سال ۷۴ تا حدود پایان ۷۸ مبالغ فوق العاده ای وام، با بهره‌های خیلی کم یعنی از ۲ درصد تا حداکثر ۹/۵ بممالک مختلف داده شده و حتی به اردن شاه سلطان حسین ۱۰/۵ میلیون دلار وام بدون بهره داده شده که جمع این مبالغ که در ۵۲۰ فقره پرداخت بالغ بر ۸ میلیارد دلار می‌باشد که این رقم سرسام آور باید باز پس گرفته شود و چه بهتر که بجای طلب از آمریکا، انگلیس، فرانسه، دانمارک، مصر، اردن،

جمعی با تلاشی قابل تحسین دارند برای مستضعفین که (محروم نگاه داشته شدگان) هستند هر روز و هر لحظه و هر شماره شعارهایی میدهند در حالیکه این نوع تبلیغات که هر چند برای حل این مشکل مفید باشد ولی کافی نیست انتقادات بفرمانید یک روزی قبله عالم ضمن درفشانی از اینکه از طرف سازمان ملل امارای مبنی بر اینکه هشتاد در صد مردم ایران بیسواد هستند منتشر شده اظهار ناراحتی کرده و بخیال خود در این مورد دستور میدهند که فوراً مردم با سواد شوند!!

دستور بعدی وسیله نخست وزیر کلنگی وقت یعنی علم برادیو داده میشود وزیر آموزش انموقع هم دستور میدهد! بالاخره تمام وقت روزنامه‌های مداخل شاهنشاهی و رادیو اختصاص داده میشود باینکه مردم باید فوراً با سواد شوند! چراغ کلاسهای مبارزه با بیسوادی بلافاصله در هر کوی و برزن روشن میشود. در هر محل و کوچه پس کوچه و هر مدرسه تابلونی برای مبارزه با بیسوادی نصب میگردد و کلا تریها کسب و کارگران خسته را چند روزی به زور سر کلاسها میبرند و مردم بدبخت که از بی کفنی زنده مانده بودند مدتی در روی صندلیهای مدارس بجای یاد گرفتن درس معلم که انهم خود مسئله‌ای بود بچرت زدن میپردازند! پس از مدتی احساسات غلیان کرده آن مردک بیسواد فروکش میکند ولی میلیونها تومان پول توزیع و حیف و میل میشود و امارای میدهند فوق العاده قابل توجه!

انموقع بنظر می‌آید سال ۳۹ بود نتیجه‌ای که بنظر مردم میرسانند فوق العاده جالب بود وزیر آموزش که مأمور اجرای نیات ملوکانه بود کلیه امارای را که از شاگردان کلاس‌های مبارزه با بیسوادی رسیده بود جمع و منتشر میکنند! میدانید چه شد!

یک مرتبه اعلام کردند که ۳۳ میلیون نفر در کلاسهای مبارزه با بیسوادی اسم نویسی کرده و با سواد شدند. جل الخالق! در حالیکه جمعیت انموقع فقط ۲۱ میلیون نفر بودند.

نتیجه این شد که ملت بار مخارج پرسنل مبارزه با بیسوادی ۲۳ میلیون نفر را بدوش گرفت ولی شاخص افراد بیسواد فقط سه در صد تغییر کرد.

ولی تمام روزنامه‌ها درباره نوع علم که مجری نیات بود بوق بدست گرفتند! و تعریف و تملق کردند و نه‌کسی آسمان را زیر پای قزل ارسلان بدروغ و شیفتگی و فریب گذاشتند! و با این تبلیغات ریاکارانه مردم را در بیسوادی نگاه داشتند!

حالا که مسئله خانه سازی مطرح شده با بسته کردن به سیره قدیم تبلیغاتی در حالیکه اکثر روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون که نوکر حاکم وقت هستند میخواهند مشکل خانه سازی در بطن امواج و سطح اوراق جراید برای مردم محروم و داغ ستم کشیده حل کنند! و لابد بدون آنکه به مشکلات کار توجه داشته باشند وقتی ساختن یک قوطی کبریت انهمه مشکلات و خرج داشته باشد بالطبع ساختن و

دانش آموز مبارز

نام نشریه تمیز و کوچولونی است که با شیوه ای مردمی از طرف دوستان راه مصدق و وابستگی بگروه انتشارات آپادانا زیر نظر راهین عظیمیا منتشر میشود - در حال حاضر که همه نشریات دولتی شاهنشاهی تعطیل شده و امیدواریم نشریات بزرگشان نیز به تیرغیب گرفتار شوند آغاز کار فرزندان عزیزمان را شادباش میگوئیم و پرایشان موفقیت آرزو می‌کنیم.

انتخابات انگلستان

بقیه از صفحه ۱

ایران که حق رای دارند تا بحال انتخابات دمکراتیک ندیده‌اند. غرض تقلید از فرنگی نیست ولی بعضی اصول آزادی در تمام دنیا یکی است و هر کس شروع به تعریف نوع خاصی از آزادی میکند در واقع مشغول توجیه عدم وجود آنست.

الفرض - همه احزاب انگلیس برنامه های خود را اعلام کرده‌اند و حالا گفتگو بر سر عملی بودن این برنامه هاست. چون اسانست که هر کسی وعده فراوان بدهد ولی عملی بودن آنها مورد بحث است. در بین نکات مورد گفتگو در یک نکته یعنی سیاست دولت آینده در مورد ایرلند شمالی هیچگونه تفاوتی بین دو حزب اصلی نیست و نکات اصلی مسازرات انتخاباتی بیکاری؛ مالیاتها و تورم است. گرچه حزب کارگر در ابتدا سعی کرد که قوانین بازار مشترک اروپا، علسی الخصوص قوانین مربوط به تجارت کالاهای کشاورزی را که باعث بالارفتن قیمت ارزاق عمومی در انگلیس و انبوه شدن بعضی محصولات مانند شیر و سیب و غیره شده تبدیل به موضوع رای برای انتخابات بکند ولی تا حالا در این امر موفق نبوده و کماکان عنوانی که محافظه کاران در صدر برنامه خود قرار داده اند عنوان عمده بحث هستند.

محافظه کاران میخواهند مالیاتها را کم کرده و بهمان نسبت دخالت دولت را در امر اقتصاد پائین بیاورند. این امر تنها با فروش بعضی از صنایع ملی و بالابردن قیمت خدمات عمومی مثل بهداشت، خانه‌های دولتی برای فقرا، بالابردن قیمت غذای محصلین مدارس و امثالهم ممکن است و این نکته ایست که وزیر آموزش و پرورش دولت کارگری، خانم شرلی ویلیامز، انگشت بران گذاشته و میگوید که معنی سیاستهایی که حزب محافظه کار پیشنهاد میکند در واقع هزینه بیشتر برای عامه است. همینطور محافظه کاران میخواهند مالیاتهای مستقیم را کم کرده و مالیاتهای غیرمستقیم را زیاد نمایند که آنها بطور روشن برخلاف منافع طبقه کم درآمد و به نفع طبقات پردرآمد میباشد. در مقابل این نقطه نظر محافظه کاران میگویند که باسیاست پیشنهادی ایشان رشد اقتصادی زیاد شده و گرچه ممکن است طبقات کم درآمدتر درصد کمتری از محصول ملی را بدست آورند ولی در اثر رشد ذکر شده میزان مطلق درآمد ایشان بالا میرود و این تنها راه بالارفتن اشتغال و پائین آمدن نرخ تورم است.

جیمز کالاهان هم پیشنهاد کم کردن مالیاتها را داده است و بعضی مفسرین میگویند که میخواهد باین ترتیب قیای محافظه کاران را بدزد که وی بشدت انکار میکند در عین حال حزب کارگر اشاره به شکست دولت ادوارد هیت در سال ۱۹۷۳ میکند و میگویند که محافظه کاران نمیتوانند چگونه با اتحادیه ها کنار بیایند. از طرف دیگر محافظه کاران به مشکلات چندماه اخیر دولت کارگری اشاره میکند و میگویند که سابقه دولت فعلی هم چندان تعریفی ندارد و باید قوانینی وضع کرد که جلوی اینگونه توقف کار را بوسیله اتحادیه ها بگیرد. مثلا رای گیری اتحادیه ها نباید آشکارا باشد که کارگران از شریم یاترس دیگران به اعتراضات رای مثبت بدهند و همچنین هیچ اتحادیه‌ای نباید حق داشته باشد که صرفا برای همکاری و هم نفسی با اتحادیه دیگری اعتصاب بکند.

حمایت دول استعماری

در تجاوز ب مردم اواره فلسطین

تقدم و تشکیل دولت در آن سرزمین یکتو تعجیل آشکار و بی اعتنائی بحقوق طبیعی انسانهاست. وانگهی همه میدانند که این هدف تشکیل دولت یهود در فلسطین بطور وضوح با حقوق مسلم و طبیعی قوم فلسطین که از دیر زمانی پیش از یهودیان بطور مداوم در قرون متمادی ساکن آن سرزمین بوده اند تناقض داشت.

زودتر از اقوام دیگر فلسطین در آن سرزمین سکونت نکردند و صاحب اراضی آن منطقه نشدند تا حق تقدم آنان بر دیگران محفوظ باشد. از طرفی اشغال یهودیان در زمان تورات انهم بطور موقت در برابر تاریخ طولانی اقوام دیگر آن سرزمین حادثه کوچکی بیش نیست و صهیونیسم جدید با اینکه اغلب آنها نمیتوانند ادعا کنند از اولاد عبریهای قدیم هستند - معهذا پس از گذشت بیست قرن منطقی نیست که برای بکرسی نشاندن ادعای سیاسی خود درباره یک حادثه اتفاقی انهمه غلو کرده آن را دست اویز عملیات کارانه خود قرار دهند.

یهودیان صهیونیسم برای اینکه حکومت بریتانیا را بقواید یاری یهود از راه محترم شمردن خواستههای آنان آگاه سازند جنگ اول جهانی را زمینه مناسبی برای کوشش خود دانستند. تلاش آنان که از نیروی استعمار تغذیه میکرد به نتیجه رسید بهمین جهت بود که جیمی بلسورد (وزیر خارجه بریتانیا) در نوامبر سال ۱۹۱۷ در کتابیکه برای رهبر صهیونیسم (روتشیلد) فرستاد - اعلام کرد که حکومت بریتانیا تشکیل دولت یهود را در فلسطین مورد بررسی دقیق قرار داده منتها نباید انجام این عمل بحقوق اجتماعی و دینی اقوام غیر ساکن فلسطین لطمه وارد سازد.

این جاست که خیانت مهم بریتانیا به آزادی و عدالت آشکار میگردد. زیرا بهر فرقه عادی معلوم است دادن چنین وعده به یهودیان تجاوز آشکار بحقوق مردم ناتوان فلسطین میباشد. برای هفتگی نامه پرخاش - ترجمه کاطمی خلخالی از کتاب (فلسطین در پرتو حق و عدالت)

این دو نکته در بین مردم بسیار مقبول است، علی الخصوص که مردم در اثر اعتصابات راه آهن، نانویان، کارمندان دولت، زباله بران و غیره بشدت عصبانی و ناراضی هستند.

در هر دو جناح نارسائیهای هست. حزب کارگر میگوید که مالیاتها را کم میکند و سهم دولت را در اقتصاد ملی تغییر چندانی نخواهد داد ولی معلوم نیست که کسری مالیاتی که کم میشود از کجا تامین خواهد شد. حزب محافظه کار میگوید که مالیاتها را کم میکند

بموجب حکایت تاریخ کمکهای وسیع مالی و سیاسی دول بظاهر دموکرات غرب و آمریکا سبب تجری دولت اسرائیل در تعدیات خود نسبت ب مردم اواره فلسطین شد. وعده بریتانیای کبیر هنگام تحت الحمایگی فلسطین به هردو طرف (اعراب و یهود) ننکین ترین عمل سیاسی بود که در تاریخ جوامع ملل ضبط شده است. زیرا انگلیس قبل از دادن انهمه وعده های فریبنده به اعراب در مورد اعطای استقلال به یهودیان هم وعده داد که در خاک فلسطین برای آنان مینهم قومی درست کند. در حالیکه خوب میدانست یهودیان صهیونیسم از دیر زمانی حتی پیش از صدور فرمان بلفور چشم طمع بخاک فلسطین دارند.

تسودور هرتزل در سالهای (۱۸۶۰ - ۱۹۰۴) بزرگترین طرفدار صهیونیسم شد و در سال ۱۸۹۶ کتابی تحت عنوان دولت یهود نوشت و در آن کتاب درخواست نمود (یک دولت مستعمره یهودی تحت نظارت بریتانیا در ارژانتین یا فلسطین تشکیل شود) همین پیشنهاد بود که در آینده مبنای تشکیل دولت اسرائیل شد. هدف هرتزل از فعالیت خود در خواست حل مشکل بزرگ یهود بود نه تحقق خواهیهاییکه یهودیان برای صحرای فلسطین دیده بودند. در سال ۱۸۸۷ اولین اجتماع صهیونیسم در شهر (بال) سوئیس تشکیل شد. و در همان اجتماع هدف صهیونیسم که عبارت از تشکیل وطن قومی برای یهودی در فلسطین بود - آشکار شد. از طرفی هرتزل کوشش کرد تا زمامداران ترکیه را برای اجازه مهاجرت یهودیان بفلسطین قانع سازد - و تا حدودی هم ب مردم یهود حقوق طبیعی اعطا کند. لکن سعی وی به نتیجه نرسید. در اجرای این هدف یک تجاهل آشکار دیده میشود - و آن اینست که اقامت یهودیان در فلسطین تا قرن اول میلادی ادامه داشت - ولی از آن بیعد در اثر بروز حوادث متعدد پایان یافت. در اینصورت استناد دولت قیومست (بریتانیایی) و صهیونیسم با قامت باستانی یهودیان در فلسطین برای اثبات حق

خدمات اجتماعی بجای خود خواهند ماند ولی ایشان هم نمیگویند که پول این خدمات از کجا خواهد آمد، علی الخصوص که در توضیح اینکه مالیاتهای غیرمستقیم را افزایش میدهند و صنایع ملی را خواهند فروخت طفره میروند.

وحیدزاده نسیم مدیر ارمغان درگذشت

باکمال تأسف اطلاع یافتیم آقای محمود وحیدزاده دستگردی متخلص به نسیم مدیر مجله ادبی ارمغان بدرود حیات گفته است. شادروان وحیدزاده فرزند استاد وحید دستگردی بود که با کوشش شبانه روزی مجله کهن سال ارمغان را بیش از بیست سال منتشر کرد. تذکار این مطلب را نیز ضروری میدانیم که وحید دستگردی شخصا از شعر اوادبای ضد استعمار ایران بود و در راه آزادی ایران مجاهده ها کرد و خون دلها خورد آن مرحوم در طول حیات همیشه حق استاد خویش سودائی دستگردی را مژدبانه بجای می آورد و در هر سفر زیارتش می شتافت. محمود وحید زاده نیز از سلامت نفس و خلوص کامل برخوردار بود و هرگز نام پدر را وسیله بهره برداری های سیاسی ساخت و ساحتش را بمسائل روز نیالانید. در گذشت همکار وارسته خود را به خاندان آن مرحوم و فرزندان گرمای و برادرش آقای هوشنگ وحید تسلیت میگوئیم.

حزب ایران یا حزب ایران باد

حزب ایرانیکه سبیل و نماینده آن مهندس کاظم حبیبی ابوالفضل قاسمی و قوامی زاده ها هستند

یا حزب ایران باد که منصور روحانی و یارانش خود را نماینده آن میدانستند

انتشار تذکرات بیطرفانه مادر دوشماره اخیر پرخاش باعث شد که بعضی از دوستان را از پرخاش گله مند کند و حتی آثار کم مهری و سردسختی در کلام بعضی از عزیزانی مشاهده کردیم که بحقیقت دوستان داریم و در جان و دل ما جانی والا دارند و نمیخواهیم کوچکترین خدشه ای بمرشدان و خدای ناکرده کمترین اثری در ارادت ما بایشان و اصالت راهشان بر جای بگذارد.

موضوع بحث ما بر سر حزب ایران است در کمی که ما از این حزب داشته و داریم و اعتقادی که صمیمانه در راه داشتن این سنگر حصین آزادی ابراز داشته ایم نامه دوست عزیز ابوالحسن کرامت را که نمونه ای از این تعرضات است در زیر میاوریم و امیدواریم توضیح امروز ما همیشه باب مشاجره و گله را میان ما و هم سنگران حزب ایران مسدود بدارد.

آقای کرامت پس از مهری فراوان درباره پرخاش و نویسندگانش چنین می نویسند: در صفحه هفتم شماره چهارم تحت عنوان «حزب ایران و موقعیت حساس آن بنام آزادگان حزب ایران کاریابی نکنید» با ایمه و اشاره از شخصی نام برده شده که نزد دوستان، اشنایان و هم مسلکان حزب ایران از احترام عمیقی برخوردار است. جناب آقای مهندس نظام الدین موحّد که اخیراً سمت مدیر عاملی شرکت کشتی رانی آریا را با اصرار دوستان از چمله تبسار مدنی قبول کرده اند، تا آنجا که من میدانم، اولاً با توجه به تخصص و تجارب با ارزش خود شایستگی مقامات خیلی مهمتر را دارا هستید.

ثانیاً، اگر ایشان بحکم اشتراک در وزارتخانه، همکار روحانی معوم بوده اند، هرگز همفکر، همراه، همصد و شریک در کشفکارهای اونیو شده اند، روحانی در وزارتخانه های آب و برق و کشاورزی در طول

سالهای وزارت، هزاران نفر همکار داشته، نمیتوان همه همکاران او را که شاید اکثرشان مانند آقای مهندس موحّد جزء اصیلترین، پاکترین و مبارزترین عوامل انقلاب ملت ایران باشند به گناه همکار وزارتخانه ای، متهم و لکه دار کرد.

ثالثاً در تمام دوران سیاه استبداد، آقای موحّد، فراخور تخصص و مدیریت خود مثل بسیاری از هم مسلکان و هم زمان خود زربار پست های حساس ترفقه و قبول مقامهایی که شائبه «همکاری» داشته نکرده است و باز نشستگی زودرس، قبل از موعد طبیعی، دلیل امتناع و دوری جستن از طاغوتیان و بی علاقگی ایشان نسبت به آن مقام ها در آن روزگار بوده است.

با این توضیح، آیا بی انصافی نیست، شخصیتی متدین، مبارز و درستکار را با دیدی کوتاه بینانه در زمره عوامل رسوا، فاسد و کثیف رژیم سابق قرار دهند و به تعبیری قصد «مقایسه» داشته باشند؟

آیا غرض ورزی نیست، فعالیت شخصی توأم با کارشراقتمنانه و سازنده را، بعد از باز نشستگی بعنوان «ارتباط با دستگاه اهریمنی...» تلقی کنند و آنهان بی خیران را مشوب سازند؟ آیا گناه نیست با چند کلمه لاطایل و بی اساس، اوراق درخشان زندگی سیاسی یک روشنفکر مسئول را در هم به پیچند و پشت پا

بهمه ی خدمات و مبارزات مسلکی او بزنند؟

اگر این مطلب در روزنامه های معلوم الحال و سابقه دار و بقول شما «روزی نامه ها» حتی با لحن شدیدتر و کثیف تر چاپ میشد نه فقط من و بسیاری از دوستانم، عکس العمل نشان نمیدادیم، بلکه خوشحال هم میشدیم زیرا! مه نشانند نورو سگ عوعو کند - هر کسی بر طینت خود رو کند. ولی چرا «پرخاش» باستی منعکس کنند چنین مطلبی باشد؟

از «پرخاش» با آن خروش توفنده زما نهایی گذشته که پرخاشگر بیدادگری، افشاگر فساد و خرابی، منادی حق و آزادی، مدافع رنجبران و هم سنگر حق طلبان و آزاد اندیشان بود، توقع نداشتیم و نداریم از سطح والای خود نزول کند. اینگونه پوچ نویسی و یاده گوئی در شان آن جرید «هرجانی» است و به آنها ارزشی نیست، قلم کوبنده شما باید چون گذشته از حق و آزادی دفاع کند و لاغیر.

امیدوارم با درج این یادداشت در اولین شماره پرخاش، عملاً تکذیب نوشته غرض آلود و موهن شماره چهارم دوره پیروزی را بفرمائید.

امیدوارم این نوع رابطه من و هم مسلکان با نشریه مورد علاقه مان برای اولین و آخرین بار باشد.

جاوید باد ایران ابوالحسن کرامت

حالا اجازه میخوایم

توضیحات خود را نیز با خوانندگان عزیز در میان بگذاریم و آنها را بدواری بخوانیم بنظر ما که شاید هم اشتباه کرده باشیم کلمات مقایسه مشخص و معینی دارند و برای ارزیابی کارکسان نیز باید ضابطه ای وجود داشته باشد نه آنکه بمیل خودم ضابطه را تعیین کنیم و هم تعاریف رادستخوش - نظرات شخصی قرار دهیم.

ما کیستیم؟ گروهی از همه جارنده - اهانت کشیده - زجر برده که در حکومت ۲۵/ ساله حتی لحظه ای آب خوش از گلویمان پائین نرفته است و آنچه را که ما سرمایه خود میدانیم و سند شرف خود می شماریم از - دیدگاه و ضابطه و تعاریف شاهنشاهی خیانت بملکیت - قیام علیه سلطنت و شرافت ایرانیت بوده است و بیاس آن بود که حق نفس کشیدن هم نداشته ایم و گرفتن حقوق ناچیز دولتی مان از دیدگاه منصور روحانی هافتنخوری بوده است.

به سند مندرج در شماره های قبل مراجعه فرمائید

مدیرین روزنامه واقعی مهندس موحّد و همکار دیگرشان رئیس بهداری برق دریک وزارتخانه بوده ایم وزیر آن با ضابطه ای که در پرخاش دیده و خوانده ایم روحانی برده است که خدمات و مبارزات گذشته پرخاش را خیانت میدانند و او را پنجنال بدون حقوق منتظر خدمت میکند در این فضا و یام محیط کسائی

نشینی این تخصص و مدیریت چیست که من وقاسمی وثنائی هیچگاه آنرا دارا نبوده ایم و دوستان دیگر شما در همه ادوار بحد کمال آنرا حاضر بوده و هستند و خواهند بود نوشته اید بنا باصرار تبسار مدنی اینکار یعنی مدیریت کشتیرانی آریا را به آقای مهندس موحّد تکلیف کرده اند و ما عرض میکنیم اولاً با همه ارادتی که بدکتر مدنی داریم ایشان را مترشایسته ای برای اندازه گیری عناصر انقلابی!! نمی شناسیم مگر آن عنصر انقلابی آقای مهندس موحّد باشد

خود تبسار افسری در دولت سابق بوده اند که بر بسیاری از اعمال طاغوتیان صحنه نگذاشتند و با داشتن کسوت نظامی گاهی تنش ضد دولتی داشته اند ولی این آقای مهندس موحّد در همه مجالس شب نشینی و بزهای شبانه حتی در سرداب معروف حضور داشته اند و حتی یک کلمه نه شفاهی هم بر سرش در پروز خود روحانی نگفته اند آخر این چه جور انقلابی است؟

سخن کوتاه کم ما حزب ایران را پایگاه آزادگانی می شناسیم و همه حرف ما بر سر این یک کلام است که این اشخاص حق ندارند نام حزب ایران را بر زبان بیاورند اینان مطرودند و از کاروان یزید بجای مانده و در حزب ایران جانی ندارند ما فقط مردان با فضیلت که فقط بقصد اسرار معاش بدون خورشقصی در خدمت دولت بوده اند را نگاهکار نمیدانیم آنهم نه در حدی که شایسته تصدی مشاغل دوران انقلاب باشند ولی کسانیکه در مسابقه تملق و خیانت شرکت کرد و همه جا با دزدان و جاسوسان و ناپاکان و خائنان همکار و همساز بوده اند در ردیف معسومین می شناسیم و تا زمانی که امثال آقای کرامت بخوانند از موحدها عناصر مبارز انقلابی بسازند ناچار به تحلیل نظرات خود ادامه خواهیم داد.

یادی از مرحوم محمد سقا

و پیامی برونزنامه فروشان زحمتکش

در یک ربع قرن پیش و پس از سقوط دیکتاتوری توزیع روزنامه های تهران هر موسسه ای بنام اداره توزیع جراید زیر نظر محمد سقاداره میشد و با وجودیکه اغلب مدیران جراید بحکم طبیعت کاراجریان توزیع ناراضی هم بودند ولی این بیژرمدیاجانان دقت - صمیمیت - دلسوزی - وقت شناسی بکار جراید میرسید که امروز وظیفه دار ذکر خیرایشان و طلب آموزش هستیم ولی مناسفانه در زمان مابعلی هیچیک از شرایط فعلی برای توزیع جراید و روزنامه های کوچک وجود ندارد از این ذکر خیرکه بگنریم با روزنامه فروشان عزیز این زحمتکشان صدیق فرهنگ که در سرمای زمستان و گرمای تابستان رابط بین نویسندگان و مردم هستند نیز سخنها داریم که مایلیم با آنان در میان بگذاریم توقع داریم که هیات مدیره سندیکای روزنامه فروشان برای دریافت پیامی که از طرف مدیران جراید ملی برای آنها داریم و مذاکره درباره مشکلات کارمان با ماتماس بگیرند. چه نمیدانیم که آقایان کی و کجا هستند.

۴-الف آگهی مناقصه شماره ۵۸/۴

مرکز تعلیمات حرفه ای کرج تهیه غذای حدود سیصد و پنجاه نفر کارآموز را که شامل صبحانه - نهار و شام میباشد با توجه به آئین نامه معاملات دولتی و صلاحیت افراد برای مدت ۱۲ ماه از تاریخ عقد قرار داد بمنافصه میگردد.

از داوطلبانیکه مایل به شرکت در مناقصه میباشند تقاضا میشود با مراجعه به دبیرخانه این مرکز و دریافت برنامه غذایی و برگ شرایط تهیه غذا و مشاهده محل طبخ و وسائل و امکانات موجود پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۷ روز شنبه ۱۳۵۸/۲/۲۹ با نضمام فیش بانکی بمبلغ دویست هزار ریال بحساب جاری شماره ۱۵۰۸۱۱ بانک ملی ایران شعبه کرج و برگ شرایط و برنامه های غذایی که امضاء نموده و تایید کرده باشند در پاکت لاک و مهر شده تسلیم دبیرخانه این مرکز نموده و رسید دریافت دارند.

پیشنهادات و اصله در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۳۵۸/۳/۷ در حضور پیشنهاد دهنده گان باز و قرائت خواهد شد. عدم حضور پیشنهاد دهندگان مانع انجام تشریفات مناقصه نخواهد بود.

به پیشنهادات فاقد سپرده و مشروط و مبهم ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مرکز تعلیمات حرفه ای کرج میتواند تعداد کارآموزان خود را ۵۰ در صد کسر و یا اضافه نماید.

هزینه های متعلقه از قبیل نشر آگهی و عوارض و مالیات و سایر هزینه های مربوط بعهد برنده مناقصه میباشد.

در صورتیکه پیمانکار از انجام تعهدات مربوط خود داری نماید سپرده او بتفع صندوق دارائی کرج ضبط خواهد گردید.

مرکز تعلیمات حرفه ای کرج مجاز است پس از خاتمه مدت قرار داد را برای مدت سه ماه دیگر تمدید نماید.

مرکز تعلیمات حرفه ای کرج

نمایندگان عزیز پرخاش در شهرستانها

چون ماجرفروش روزنامه درآمدی برای ادامه حیات روزنامه نداریم انتظار داریم معاسبات تاکنون را هرچه زودتر واریز فرمائید.

آگهی تغییرات شرکت زموآ با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۹۶۸۳

طبق صورت جلسه مجمع شرکا مورخ ۵۷/۸/۱۸ تغییرات ذیل در شرکت نامبرده بعمل آمد ۱- آقای محمد شاکری بمبلغ یکصد هزار ریال از صندوق شرکت دریافت نمود و سهم الشرکه خود را به چهارصد هزار ریال کاهش داد ۲- آقای حسین شریعتمداری یکصد هزار ریال از صندوق شرکت دریافت نمود سهم الشرکه خود را به دویست هزار ریال کاهش داد ۳- آقای محمد شریعتمداری کلیه سهم الشرکه خود را از صندوق شرکت دریافت نمود و از شرکت خارج گردید و دیگر حق و ستمی در شرکت ندارد ۴- خانم شهناز طاهریان فرزند تقی بشناسنامه شماره ۱۵۷ صادره از شمیران بمبلغ دویست هزار ریال و آقای احمد سجادی فرزند محمد بشناسنامه شماره ۱۴۰۶۶ - صادره از بجنورد بمبلغ یکصد هزار ریال بصندوق شرکت پرداخت نمودند و در ردیف شرکاء شرکت قرار گرفتند در نتیجه سرمایه شرکت بمبلغ یکمیلیون ریال است و سهم الشرکه آقای مراد برزو که یکصد هزار ریال بود تغییراتی حاصل نشد و سهم الشرکه سایر شرکاء شرح مندرج در ردیفهای ۱ الی ۴ بالا میباشد ۵- آقایان محمد شاکری حسین شریعتمداری، مراد برزو، احمد سجادی و خانم شهناز طاهریان بسمت اعضاء هیئت مدیره انتخاب شدند که آقای محمد شاکری بسمت مدیرعامل و آقای حسین شریعتمداری بسمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند و حق امضاء در کلیه امور و موارد چکها بروات، سفته ها و اسناد تعهدآور باامضای آقای محمد شاکری مدیر عامل و آقای حسین شریعتمداری رئیس هیئت مدیره معتقفا و با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

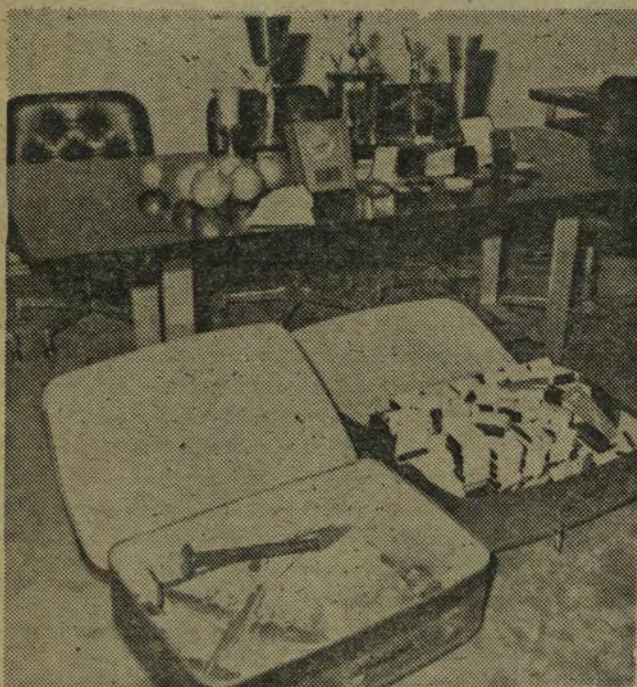
مدیر کل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

آگهی تاسیس شرکت گودر هندلرز با مسئولیت محدود ۱۰۴ الف

شرکت گودر هندلرز با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۵ تحت شماره ۳۴۴۷۳ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود: ۱- موضوع شرکت: واردات لوازم اتومبیل و ماشین آلات لوازم خانگی و کلیه کالاهای مجاز بازرگانی اخذ نمایندگی از شرکتهای و کارخانجات داخلی و خارجی صادرات کالاهای بازرگانی ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان آریامهر میدان فرح جنب بانک ملی شماره ۳۷ تلفن ۶۵۷۸۸۹ ۳- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای علی بهاری بسمت مدیرعامل آقای فضل اله اسپندیانی بسمت رئیس هیئت مدیره حق امضاء کلیه چکها و سفته ها و اوراق تعهد آور شرکت اسناد و قراردادهای شرکت با رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بامهر شرکت معتبر است.

مدیر کل ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

غنایم ورزشی تیمسار در اختیار سازمان ورزش قرار گرفت



گرچه از چپاولگری تیمسار خسروانی رئیس باشگاههای ورزشی تاج سابق، به همه انهایی که با ورزش آشنائی دارند تا حدی روشن است ولی این مرد، حتی از مدالهای یادبودی که متعلق به ورزشکاران بوده چشم پوشی نکرده و آنها را جزو اموال شخصی در انبار ساختمان ۸۵ واقع در چهار راه کالج نگهداری مینموده که بوسیله اعضاء کمیته انقلاب کشف و در اختیار سازمان ورزش ایران قرار گرفت.

تعداد مدالهای جام دوستی ۱۱۸ عدد و مدالهای یادبود جام آسیائی ۶۴ عدد میباشد که جزو غنایم ورزشی تیمسار ورزشدوست!! میباشد.

اینها دفاع از حقوق ورزشکاران را ادعا میکردند و این عکس گوشه کوچکی از حق کسی های این از خدا بی خبران بوده است.

سازمان ورزش بزودی از مدالها و گلدانهای طلا و نقره کشف شده نمایشگاهی برای بازدید مردم ترتیب خواهد داد.

بچه های غرب تهران هم با رزوی خود رسیدند

یکدوره مسابقه فوتبال در دو گروه سنی (اس اراد - جوانان) ریر نظر سازمان تربیت بدنی برای محله های غرب تهران در ورزشگاه آزادی برگزار میشود تیم های داوطلب شرکت تا تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه میسواد به نگهبانی ورزشگاه آزادی برگزار میشود تیم های داوطلب شرکت تا تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه میتوانند به نگهبانی ورزشگاه آزادی مراجعه نمایند

بچه ها؛ ورودتان بورزشگاه آزادی مبارک

مسابقات جودو

جوانان کمتر از بیست سال میتوانند در مسابقه ای که برای آنها در سالن جودو امجدیه در روز ۱۹ اردیبهشت انجام خواهد شد شرکت نمایند. در این مسابقه وزن کشتی نخواهد شد

سالگرد درگذشت امیرمسعود کاتوزیان

امیر مسعود کاتوزیان، وکیل مبارز دادگستری، که از عنفوان جوانی با شور و حرارت و در نهایت فداکاری و از خود گذشتگی به هواداری از شادروان دکتر محمد مصدق و برای ادامه نهضت ملی ایران لحظه ای از حرکت نیفتاده بود، سال گذشته در شرایط مشکوکی برای همیشه از حرکت باز ایستاد. وی وکیل زبردست، مبارزی خستگی ناپذیر، مردی ادیب و خوشنویس، و مسلمانی جوانمرد و سخاوتمند بود، و بزرگترین آرزوی این بود که دست کم برای یک روز در زمان انهدام نظام استبدادی و مردمکش شاه سابق حیات داشته باشد، اما افسوس که دست اجل امانش نداد و درست در لحظاتی که پیروزی انقلاب ملت ایران نزدیک میشد جان پاک او را فشرده و گل زندگانی او را پرپر کرد.

کاتوزیان از جمله وکلانی بود که از پیوستن به حزب رسوا خیز پسر رضاخان سرپاز زد و از عواقب مالی و جهانی این ترمز جسورانه کمترین هراسی بخود راه نداد. او کسی بود که همه ساله با همکاری سایر وکیلان ملی، انتخابات کانون وکلای دادگستری را به صحنه کوچکی از مقاومت ملت ایران در مقابل رژیم خونخوار پهلوی تبدیل می کردند. کاتوزیان یکی از امضاء کنندگان نخستین اعلامیه وکلای دادگستری علیه بیدادگری های رژیم سابق بود، و در زمره وکلای مدافع دانشجویان مبارز در

دادگاه فرمایشی که سال پیش در عدلیه بر پا شده بود قرار داشت. و درست در همان روزها در مسافرتی به شهر ساری - گویا برای دفاع از دو سه تن دانشجویی که در آن شهر دستگیر شده بودند - شب خوابید و صبح آن برخاست، این واقعه درست در زمانی اتفاق افتاد که در خانه و دفاتر چند وکیل مبارز دیگر، و شخصیت های ملی، بمب می گذاشتند، یا آنان را دزدیده، مضروب و مجروح می ساختند. سه روز پس از مرگ کاتوزیان، به یکی از دوستان و همکارانش به وسیله تلفن گفته شده بود که مسبب مرگ کاتوزیان «کمیته انتقام» بوده، و بهتر است که دیگران از عاقبت او عبرت بگیرند. و دوهفته پس از وقوع این حادثه دلخراش، یکی از خویشاوندان نزدیکش در خارج، در آگهی خود برای روزنامه های تهران نوشت:

و هذا مسعود مسعود کما اسمیه؛ فرحمت الله علیه و علی قوم الصالحین جمیعاً؛ اما سازمان امنیت شاه اجازه نداد که این آگهی انتشار یابد.

مسعود کاتوزیان از دست ما رفت، اما پسر برومندش، مصدق کاتوزیان - تنها ایرانی که نام شخصی اش به نام مظهر ملی ایران است - برای خانواده اش، و برای نهضت ملی ایران، بچاست؛ سزگر مرگ را اهنگ دارد - که برچا تونش شیرنگ دارد. روانش شاد و پادش گرامی باد!

در باره سرود ای ایران شاه سابق بدکتر گل گلاب چه گفت

در شماره گذشته متن سرود ایران ای مرز پر گهر را حسب تقاضای خوانندگان بطبع رساندیم و اینک توضیحاتی در باره آن استاد دکتر گل گلاب سازنده این سرود مینویسیم که از اساتید برجسته و باسرف ایرانست گاهی شاگرد پروری میکند و به پر خاشجویان سری میزند هفته پیش استاد بزرگوار را در دفتر پرخاش زیارت کردیم از زده خاطر بودند و معلوم شد ناگاهانه پرسوده اش که اکنون نغمه بیشتر مینماید دوستان ازاده است خورده ها گرفته اند که این سرود باید مایه اصلاح شود چون نامی از مردم ندارد و چون با دقت این سرود معروف را با هم مرور کردیم دیدیم اساساً ایرادوار نیست چه مطلب از زبان مردم عنوان شده خواننده آن خود مردم هستند و از زبان مردمی سخن رفته است که نورایزیدی همیشه رهنمایشان بوده است - جالب ترین نکته اینست که شنیدیم شاه سابق هم پس از پخش این سرود و هنگامیکه در اوج موفقیت قرار گرفته و همه مردم انرا زمزمه میکردند اظهار عدم رضایت میکند و پس از آنکه نماهان بر سرود ایراد میگیرند که چون نام شاهنشاه را ندارد و ممکن است جانشین سرود شاهنشاهی شود نباید از رادیو پخش شود شاه سابق در یک دیدار دانشگاهی در سال ۱۳۲۹ با استاد گل گلاب میگوید شما که سرود میسازید چرا برای ما نمی سازید؟ و استاد بلافاصله جواب میدهد سرود متعلق بایران و همه مردم ایران است اینک پس از نوزده سال دسته ای دیگر ایراد کرده اند که این سرود یادگار رضا شاه است گل گلاب با احساسی قابل تقدیس توضیح میدهد در سال ۱۳۲۳ هنگامیکه با مرحوم خالقی در خانه نشستیم بودیم صدای پای سربازان اشغالگر روس و انگلیس که در کوچه های تهران راه میرفتند رعشه براندام هر مینم پرستی می انداخت تحت تاثیر قرار گرفتم و این سرود را ساختم و استاد خالقی هم اهنگ انرا تنظیم کرد که با همه مخالفتها بر دل و جان مردم نشست.

آقای دکتر گل گلاب اصرار داشتند که نام ایشان را مطلقاً مطرح نکنیم ولی دریغمان آمد که از این خدمت ارزنده حقتناسی نشود چه گفته اند حب الوطن من الایمان و عشق بوطن که از طرف استاد در این سرود ارائه شده مظهرایمان ایشان است بدیانت و دلیل مهرشان است بایران زمین



خیرمقدم به حاجی بابا

در میان روزنامه های کوتاه و بلندیکه این روزها منتشر میشود خشیمان بجمال حاجی بابای حودمان روشن شد وهمگام وهمکار دیرین حودمان آقای پرویز خطیبی راکه سالهای پیش باهم طی طریق میکردیم ودرست روز ۲۸ مرداد ۳۲ باهم بریدان رفتم و غارت شدیم هفته گذشته درصفحه مطبوعات قلم بدست دیدار کردیم درتوضیح مبارزات خطیبی و حاجی بابا این گواهی شرافتمدانه برعهده است که خطیبی در آن سالهای تاریک درزندگانی بیش از همه شکجه دید وهر بلیس احمق لایشعری یک شعر یاشعار حاجی بابا را علیه شاه سابق تکرار میکرد ویا اهنگ به شکجه خطیبی می برداخت درحقیقت اگر خطیبی بسر نوشت کریم یوردجار نشد این خواست خدا بود ومشیت الهی که خطیبی زنده بماند وامروز بازمه نوق وقریحه خدادادی را بخدمت مردم بگذارد - کسانیکه تلاش مبارزان گذشته را تخطئه میکنند باید کارنامه اعمال خود رامرور کنند وسبق مبارزه خطیبی را هرگز نگذار باشند ما انتشار مجدد حاجی بابا را به همکار عزیز خود پرویز خطیبی شادباش میگویم.

دادستان آبادان و مطبوعات

آقای رضا پیرامون نماینده مطبوعات از آبادان اطلاع میدهد اعلامیه آقای زرگر که در آن خبرنگاران را تهدید و تحدید ارسال اخبار را توصیه کرده بودند در میان خبرنگاران با تاسف و تعجب روبرو گردید چه عوامل فساد از این اعلامیه موجبات تهدید و فشار بیشتر بر مطبوعات را فراهم کرده اند در حالیکه توقع این بود که آقای دادستان از تهدیدات عوامل دیگر بر مطبوعات بکاهند.

محیط شرکت نفت را پاکسازی کنیم

خبرنگار ما از آبادان گزارش میدهد که ناوجود وعده صریح آقای نزیه مدیر عامل شرکت ملی نفت درباره پاکسازی شرکت نفت از عوامل ناپاک حزب رستاخیز ومزبوران بیکاره. رژیم سابق بازمه هستند هنوز کسانیکه سال تاسال در جنوب پیدا نمی شدند وحقوق ومزایای کلان میگرفتند وهم اکنون اینها هستند که چون نمیتوانند باشرایط انقلاب همساز شوند تخم نفاق میان کارگران مبارز می باشند ودراین دژ بزرگ رژیم آزاد اخلال میکنند %

بازمه تکرار میکنیم

جناب آقای میناچی وزیر اطلاعات

چرا لیست ساواکیهای قلم فروخته را منتشر نمی کنید مالک روزنامه های بزرگ شاهنشاهی چه کسانی هستند

هفته گذشته بالاخره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران پس از جلسات عدیده مصداق مثل معروف زاینده کوه غریبن گرفت و زایمان مصلحتی خود را کورتاژ مانند بیایان برد و محصول انهم همان موش معروف داستان بود.

یعنی حضرات همه کاره ها نشستند و تنی چند از همکاران را بگناه عده مشارکت دراعتصاب بیرون کردند سندیکا شد سندیکای طیب و طاهر و با دادن این چند قربانی باز هم آقایان انقلابی تر!! بانجام وظائف محوله مشغول شدند.

ما نمیدانیم آقایان اگر اعتصاب نمیکردند چه میکردند! در آن روزهای حساس و هیجان رژیم برانداز اگر برخلاف میل مردم کلامی مزدورانه برکاغذ میریختند مردم از این همه تاسیسات که از تصدق سر تملق و خدمت بقیله عالم فراهم شده بود برای نمونه یک سوزن هم باقی نمیگذاشتند و اگر درجهت مردم میرفتند انوقت از باب پوست از سرشان میکنند این راهم ادم تازه واردی هم می فهمید که تعطیل روزنامه ها درجهت حفظ اموال مصباح زاده - مسعودی - و دار بوش همایون انجا شده بود چنانچه موفق هم شدند.

بهرحال حالا باید دید این مال صاحب مرده است یا صاحب دارد اگر صاحب مرده است که طبق قوانین اسلامی باید بمالکیت عموم درآید و اگر وارثی دارد که باید حساب گذشته را پس بدهند این فرزندان بدون شناسنامه چگونه وارث این ماترک شده اند؟ و بالاخره وزارت اطلاعات درباره شسسانی صاحبان این تاسیسات و مشخص شدن مسئولیت این روزنامه ها وظیفه ای دارد یا نه؟ و آیا بازهم چرا وزارت اطلاعات لیست ساواکیهای قلم فروخته را منتشر نمیکند؟ ما از همه کسانیکه مدعی هستند درلیستهای مربوطه تشریف ندارند میخوامیم یا ما همصدا شده و این شعر را تکرار کنند آقای دکتر میناچی لیست ساواکیهای مطبوعات را منتشر کنید جناب وزیر اطلاعات صاحبان و مسئولان روزنامه های شاهنشاهی را مشخص فرمائید

دعوت از مدیران جراید در حال انتشار تهران

جبهه روزنامه نگاران ملی بعلت درگیری بامشکلات توزیع روزنامه در تهران درصداست باهمکاری سندیکای فروشندگان روزنامه ها درصدد رفع این مشکل برآید بنابراین از آقایان مدیران جراید یکه در تهران منتشر میشود و بامشکل توزیع در تهران روبرو هستند تمنی دارد باذقت روزنامه پرخاش تماس حاصل فرمائید تا باتشکیل جلسه ای در این زمینه و دیگر مسائل و مشکلات مشترک مذاکره و چاره جونی شود بدیهی است مشارکت در این جلسه منحصر بمسائل صنفی روزنامه نگاری بوده و هیچگونه ارتباطی باسیک روزنامه و مش سیاسی همکاران ندارد.

اخراج از دانشگاه تربیت معلم

چندن تن از استادان و کارکنان دانشگاه تربیت معلم بنا به تصمیم ستاد تصفیه انقلابی دانشگاه اخراج شده اند. بنا به اسناد بدست آمده این عده با رژیم قبلی همکاری داشته و یا بنحوی در تحکیم سیاست های ضد مردمی و ایجاد فضای خفقان آمیز و یا حیف و میل بیت المال نقش بسیار داشته اند. اسامی اینعده که در دانشگاه تربیت معلم اعلام شده است بقرار زیر است:

- ۱ - دکتر محمد مشایخی «رئیس دانشگاه تربیت معلم»
- ۲ - دکتر ابراهیم هاشمی صراف «معاون دانشگاه - تربیت معلم»
- ۳ - دکتر محسن علوی نژاد (رئیس دانشکده علوم)
- ۴ - فارابی
- ۵ - دکتر قاسمی
- ۶ - دکتر اسدیان
- ۷ - خانم خرازی
- ۸ - ایزدی امور دانشجویان
- ۹ - خانم جاوید پور
- ۱۰ - دکتر حقدان
- ۱۱ - خلیلی رئیس حفاظت
- ۱۲ - دکتر بخشائی

موتورسواران دلنگرود

موتورسواران لنگرود با سرعت زیاد درشهرجان فرزندان شهر را درخطر میاندازند و درهرسال از این رهگذر جان تنی چند از اطفال مردم را میگیرند اهالی لنگرود توجه مقامات مسئول شهر را خواهند.

پناهندگان عراقی را لنگرود

ضمن تسلیم نامه ای بنمایندگی پرخاش اعلام کرده اند که تاتعیین تکلیف افراد عراق حاضر بمعادوت عراق نیستند و با وجود صدماتیکه از رژیم سابق کشیده و تسلیم نشده اند حالا امیدوارند با طلوع حکومت اسلامی درایران بحقوق حقه خوددست یابند.

دفتر پرخاش در اصفهان

بادرس خیابان کاخ سعادت اباد شماره ۲۹ دایر وهمه روزه عصرها برای دریافت آگهی - خبروقبول اشتراک روزنامه آماده است تلفن ۴۴۰۶۹

همشهریان عزیز - مردم مبارز شهر قهرمان اصفهان

پرخاش برای انعکاس خواسته های مردم اصفهان - سرکوبی ضدانقلاب - تحلیل از مبارزان راستین و انتشار نظرات همه مردم آمادگی کامل دارد لطفاً از اخباریکه آگاه میشوید و یا خواسته هائی که دارید مارا مستحض سازید.

قرارداد فروش نفت بدون رضایت، امضاء نخواهد شد



نزیه و همکارانش در جلسه مطبوعاتی

احسن نزیه رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی روش شرکت ملی نفت را در قبال شرکت های داوطلب خرید نفت روشن کرده و گفت این ماهستیم مفاد قرارداد و بهای نفت را معین میکنیم و بدون جلب رضایت ما هیچ قراردادی امضاء نخواهد شد. نزیه اضافه کرد در اسفندماه گذشته بهای هر بشکه نفت حداقل ۱۸/۷۰ و حداکثر ۲۲/۲۰ دلار به خریداران فروخته شد. اما در فروردین ماه فروش گهگاهی کمتر بود و با عقد قرارداد با ۳۵ شرکت نفتی عمده بین المللی از جمله سی.ا.ف.پی - گلف - اکسان - بی.پی، شیل، کالتکس - تکراکو که در جمع یک میلیون و یکصد هزار بشکه نفت بانها تحویل داده شده و با چند شرکت دیگر هم مثل شرکت های دولتی نفت فنلاند، بلژیک، رومانی، برزیل، چارت، ماباکو، فیلیپین، بتکلادش قراردادهای منعقد شده است. در هر حال هر مشتری که نفت ما را خوب بخرد و شرایط ما را بپذیرد در اولویت قرار داده خواهد شد.

در مورد فروش نفت به کشورهای عقب افتاده نزیه گفت این دولت است که چه تصمیمی در این مورد اتخاذ نماید.

مدیر عامل شرکت ملی نفت در مورد ۴۰۰ نفر کارمندی که از خدمت معاف و یا بازنشسته شده اند گفت: آنها اصلا ناراضی نیستند و هرگز برای تعیین تکلیف خود بما مراجعه نکرده اند. چون حضرات از جاهای دیگر هم حقوق دریافت میکنند.

نزیه در مورد هیئت مدیره شرکت ملی نفت گفت پس از معرفی بدولت و تصویب مشغول کار خواهند شد ولی در حال حاضر به طور موقت انجام وظیفه میکنند.

نزیه در پایان باراش منطقه خوزستان اشاره کرد و گفت خوشبختانه خود کارگران شرکت نفت امور امنیتی انجا را بهعهده دارند و هر نوع دخالت و نا امنی را خنثی خواهند کرد.

سوال شد آیا شرکت ملی نفت به متخصصین خارجی نیاز دارد؟ نزیه جواب داد در حال حاضر نه ولی وقتی میزان تولید بالا برود عده معدودی و مثلاً ۲۰ تا ۲۵ نفر دعوت به همکاری خواهد شد. دیگر در کارهای نفت گشاد بازی وجود نخواهد داشت. و ما هم کارها را از طریق رسانه های گروهی با اطلاع مردم خواهیم رساند و هیچ موضوعی را در خفا نگه نمیداریم.

آقای بازرگان مملکت قحط الرجال نیست

بقیه از صفحه اول

یک نکته قابل تامل است که من بعدا بان خواهم پرداخت ولی اجازه بدهید قبلا مقدمه ای را حضورتان عرض کنم که شاید به روشن شدن آنچه که میخواهم بیاورم کمک کند - مهمترین دشواری دولت در شروع کار همین گزینش دولتمردان و دیوانیان بود، چه طبع و روح انقلاب و تداوم و حفظ اصالت آن اقتضا کرده و میکند که عناصر تازه ای که در دولت های طاغوت و قایل و عصر ظلمت روحشان مسموم و آلوده به کثافات و پلیدیهای آن دوره شده بود و به روح و رسالت و هدف های انقلابی اعتقاد و ایمان دارند بر سر کار بیایند ولی دولت جستجوگر بدنبال کاوش هایی چند بطوریکه خود اظهار میکرد نتوانسته جز معدودی را فراچنگ آورد و اتفاقا آنهایی هم که او انتخاب کرده بود بجز حضرات تازه واردها برخوردار بودند - همانها هم که تاحدی از رسوم و آلودگیها بدور بودند کم و بیش آدم هایی عاجز - درمانده - بی تصمیم و جنت مکان بودند که تنها پشتوانه اشان درستی و امانت و صحت عمل بود، درحالیکه یک دولت انقلابی که رسالت عظیم بازسازی مملکت انقلاب زده و آشفته را بردوش گرفته است احتیاج مبرمی به مردان قدرتمند و قاطع دارد که با بازوهای توانا و مغزهای روشن بتوانند به تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی مملکت دست یازند... بهر تقدیر آقای بازرگان در برابر اعتراضات مردم گفته بود

سرتیب کورنگی در پاسخ بیانات آقای دکتر یزدی در سالن شهربانی کل کشور با حضور سرهنگ مجلی ریاست شهربانی و رؤسا ادارات و کلانتران اظهار داشت

در آنروز همه قلم ها و قدمها در خدمت رژیم بودند و حالا....

جناب آقای دکتر یزدی انتظار داریم مراتب اخلاص و فداکاری شهربانی کل کشور باتوجه به سوگندی که در دانشگاه پلیس با حضور مجاهد بزرگ حضرت آیت الله العظمی طالقانی به جمهوری اسلامی ادا شد و لوحه سوگند نیز در همانروز بحضور حضرت امام خمینی تقدیم گردید، اجازه فرمایند پرسنل شهربانی افتخار فداکاری در راه تحقق هدفهای انقلاب را داشته باشد.

سرتیب کورنگی گفت از گروه ترسیده انتظار خدمت نداشته باشید، من خود نمیتوانم بگویم سرتیب شهربانی هستم چرا که معلوم نیست مواجه با چه عکس العملی خواهیم شد. امروز اغلب حسابهای شخصی را با افسران تصفیه میکنند و حتی روابط خصوصی و دعاوی حقوقی فی مابین افسران و مردم که در دادگستری مطرح است وسیله ای برای تهدید و تصفیه حساب شده، اما توقع ما این است که کسانی که بجای ایفاء وظایف انسانی باید درگیری پیدا کرده اند جدا کنند. عمل آنها که بجای ایفاء وظایف انسانی باید از مردم و شریف ترین گروههای جامعه اقدام نموده اند نه قابل دفاع است و نه قابل توجیه بلکه موجب سرافکندگی و شرمساری ماست چرا که امروز ما و نفرت جامعه از عمل آنها بردوش سازمان شهربانی کل همه ما را نگران کرده است اما شصت هزار پرسنل شهربانی نیایستی کفاره گناه سی یاچهل نفر را بر دوش خود تحمل نمایند، من خود زمانی که حضرت آیت الله طالقانی زندان بودند دست ایشانرا بوسیدم زیرا فضائل انسانی و تقوی این بزرگ مرد حتی در زندان هر انسانی را به تکریم و تعظیم و امید داشت، البته دستگاه هم بهمین جهت برای مصائبی پیش آورد با این ترتیب ملاحظه میفرمایند که دستگاه مراقب کوچکترین رفتار مامورین خود بود زیرا یک رژیم لرزان و متزلزل چاره ای جز ایجاد ترس و وحشت در مردم و بخصوص مامورین نظامی نداشت، بررسی قوانین دادرسی و کیفر ارتش در مورد مامورین نظامی و انتظامی نشان میدهد که اینکروه در چه شرایط ناگواری بوده اند. در اجرای دستورات از پشت سر با سر نزیه و از روبرو با گلوله دستگاه مواجه بودند، مطالعه یک کتاب یا احساس انحراف فکر یا قصد انتقاد نتیجه اش اعدام یا حداقل حبس طولانی بود با این ترتیب از یک پاسبان انتظار تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و پیش بینی حوادث آینده را چگونه میتوان داشت؟ در حالیکه انقلاب اسلامی ایران بیک معجزه شبیه بود و دنیای سیاست را به تعجب وادانیت برای یک فرد ساده پلیس شناخت آن ممکن نبوده ست بعلاوه در زیر این آسمان فقط یک انسان متوکل بخدا و مبارز از سالها قبل می گفت محمد رضا باید برود و آن امام خمینی بود در حالیکه تا هشت ماه قبل بعضی از رجال سیاسی هم صحبت از تغییر بعضی اصول قانون اساسی مینمودند.

اینک جناب آقای دکتر یزدی ما از حضور حضرت امام خمینی استعدا داریم با صدور فرمان عفو اجازه خدمتگزاری جامعه را به نیروهای انتظامی و نظامی عنایت فرمایند، در گذشته نیز نیروهای انتظامی در فشار و اختناق گنج کشنده و بوج رژیم قدرت تفکر نداشتند و در این جریان چه قلمها و قدمهایی اغلب از طبقات نیز در خدمت رژیم بود، منتهی نیروهای انتظامی بدلیل حساسیت موضع در صف مقدمه حوادث قرار داشتند بهر حال باعرض معذرت از اطاله کلام جامعه شهربانی اکنون باتشخیص مسئولیت و وظائف حساس خود در دوره سازندگی انقلاب که جنابعالی با ظرافت طبع خاص تشریح فرمودید آماده خدمتگزاری جامعه است و از دولت و جامعه میخواهد که زمینه افتخار این همکاری را فراهم آورند.

حکومت ایند خانه نشین هستند و آنچه در برابر دیدگان شما قرار دارند رجال واقعی نیستند، و من میخواهم بشما یادآور شوم که رجال واقعی که بکار حکومت انقلاب و هر حکومت اصیل مردمی آیند بر محور قدرت ها چرخ نمیخورند و اصرار و سماجتی برای نشان دادن و عرضه کردن خود ندارند و برای قبضه کردن رشته های حکومتی تثبیت و توسل نمیجویند، اینها همچون گداسایان و دریوزگان حرفه ای هستند که در خیابانها و کوچه و بازار میچرخند و با وقاحت و پرونی صدقه میطلبند - درحالیکه مستحقان حقیقی به سائق عزت نفس روی گدائی ندارند و خانه نشین هستند. آقای مهندس بازرگان، شما در شرایطی زمام امور را بدست گرفته اید که انقلاب و وطن ما بیش از هر زمان به مردان نیرومند و قاطع بامغزهای روشن نیازمند است - هم برای بازسازی و تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی کشور و هم بخاطر درهم شکستن توطنه ها و دسیسه های ضدانقلابی ها و عبور از مشکلات موجود و مهمتر از همه برای ایجاد نظم انقلابی. شما باید باین نکته دقیق وقوف داشته باشید که تقسیم مملکت به مراکز متعدد تصمیم گیری و اجرایی که درازدهان حکومت ملوک الطوائفی را تداعی مینماید و کم و بیش بی نظمی ها و خودسرانهائی که در سازمان های دولتی بصورت تفسرد و بی انضباطی و کم کاری خودنمایی میکند و در ترفیق بصورت

بقیه از صفحه اول

بقیه عصر مقاله

باجناب دکتر مصدق پیدا کردیم و آن روزی بود که صارم الدوله قبل از حرکت بانگلستان بدیدار ایشان رفت و خبرگزاری پارس هم خیرین ملاقات را در رادیو تهران منتشر کرد ماکه جوان بودیم توقع داشتیم دکتر مصدق سال ۳۰ هم در مورد صارم الدوله عاقد قرارداد همان رفتاری را داشته باشد که در مجلس چهارم عنوان کرده بود ولی پیشوا در آن زمان میخواست از صارم الدوله برای قبولانن شرایط خود بانگلیسیها استفاده کند همه این پروگنیاها برای توجه جناب آقای مهندس بازرگان و از این روس که یاد آور شویم در دوران بیست و هفت ماهه حکومت پیشوا نه تنها مادر روزنامه بلکه رودروی ایشان ازادانه نظراتمان را گفته ایم و انتقاد کرده ایم و ایشان هم کریمانه همه جوانیها را بر ما می بخشیدند باز هم ما را از خود می دانستند و اکثرا بعراض ماتوجه میکردند.

اینک تاریخ تکرار شده است با این تفاوت که نگارنده که در آنروزی زیرسی سال داشه است اکنون میان سنین پنجاه و شصت قرار دارد بحکم سن تحربه بیشتری نیز اندوخته و اقلا تصور خود بیشتر از جوانی مصالح و مقتضیات را درک میکند ولی هرچه بعقل ناقص خود فشار میورد دلیلی بر انتخاب یک تبعه دولت آمریکا برای وزارت امور خارجه ایران نمی یابد.

امروز مجلسی در کار نیست که رای اعتمادش ما را بپذیرفتند وزیر تبعه یک کشور بیگانه مجبور کند امروز انقلاب کرده ایم و رهبرانقلاب و سرده از جنایات سیاست استعماری آمریکا در این ۲۵ ساله سخن میرانند و هنوز بانک مردم انقلابی در گوشتمان ظنین دارد که بعد از شاه نوبت امریکاست پس چه دلیلی میتواند وجود چنین شخصی را در دولت ملی بازرگان توجیه کند؟ برای ما با انتشار مطالبی که مسئولان وزارت خارجه انهم پس از دیدار با امام خمینی اعلاا کردند حداقل این نتیجه حاصل میشود که حضرت آیت اله العظمی هم از این افراد دلخوشی ندارند و حتما اجازه نمیدهند جوان خامی نماینده اعزامی ایشان را از سفارت بیرون کند و اگر هم جزایی باشد حتما چنین می پنداریم که حضرت ایشان از سابقه این وزیر خارجه بی اطلاع مانده اند.

ممنوع المعامله ولی مختار در تحریک

چنانچه خوانندگان پرخاش میدانند طبق دستور شورای انقلاب کلیه کسانیکه در سنوات اخیر مصدر مشاغل سیاسی رژیم سابق بوده اند حق معامله مایملک خود را ندارند و این موضوع بدفترخانه ها نیز اطلاع داده شده است جالب توجه اینکه عده ای از این حضرات که بعلت مشاغل سناتور و نمایندگی ممنوع المعامله هستند و حق دخالت در اموال خود را ندارند مجازند از این اموال بر علیه مردم و انقلاب استفاده کنند بطور مثال از اموال - آقای داریوش همایون وزیر اطلاعات معروف یاد میشود که روزنامه آیندگانشان باهمان سرمایه و چرخش ۱۸۰ درجه منتشر میشود و از پاپ هم کاتولیک تر است و روزنامه کیهان که آقای سناتور مصباح زاده آنرا چند صدمیلیون تومان و در بانک ملی شعبه سعدی گرو نهاده و وجوهش را بخارج انتقال داده و روزنامه اطلاعات هم در وضعی شبیه آنهاست گفته شده است که اضافه بر سه واحد بزرگ دوماهه هفتگی نیز بمالکیت نمایندگان سابق مجلس منتشر میشود و در کار پارازیت انداختن در انقلاب بنحو مطلوب از سرمایه موجود استفاده میکنند.

بهار آزادی و مطبوعات

باحلول آزادی و پیروزی ملت باوجود مشکلاتی که در امر توزیع و چاپ و تحریر روزنامه وجود دارد باز هم هستند آزادگانی که در راه تنویر افکار عمومی و روبرو بوستان آزادی در گوشه و کنار کشور بکار مقدس و پر مسئولیت - روزنامه نگاری عشق میورزند تا این تاریخ نویسندگان پرخاش توانسته اند روزنامه های گرمی زیر را مطالعه کنند: روزنامه پیک جنوب بمدریت آقای منوچهر ظلی - شیراز روزنامه صدای بوشهر بمدریت آقای ابوالقاسم ایرانی - بوشهر روزنامه ندای میهن بمدریت آقای حسن حاجیلو - همدان روزنامه سروش نجاب بمدریت آقای عبدالرحیم هوشمند راد - شیراز روزنامه انقلاب بی رنگ بمدریت آقای احمد رحیمی کاشانی - قم روزنامه شهاب بمدریت آقای ایمانی - تهرآن توفیق همکاران عزیز و گرمی را آرزو داریم

انتشار جوشن

همه هفته روزهای ۵ شنبه روز انتشار روزنامه جوشن است روزنامه مال شماست با ما همکاری فرمائید.

خیابان کندی شماره ۴۵ روزنامه جوشن تلفنهای ۹۲۳۹۳۹-۹۲۴۹۴۹

آ-ش ۲ ۴-۱

آگهی تغییرات ایران تانکر (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۱۶۲۹۶ ۳-الف

باستناد صورتجلسه مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۶ مجمع عمومی فوق العاده شرکت ایران تانکر (سهامی خاص) موافقت گردید که مدیرعامل باتصویب هیئت مدیره میتواند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض نماید.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

آگهی تاسیس شرکت ساختمانی و تاسیساتی تیروستون با مسئولیت محدود شرکت ساختمانی و تاسیساتی تیروستون با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۱۵ تحت شماره ۳۳۴۵۴ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود: ۱- موضوع شرکت: انجام کلیه امور مربوط به ابنیه راه باند فرودگاه راه آهن و غیره و مقاطعه کاری تاسیسات ساختمان و اوزادات مواد اولیه و ماشین آلات و نصب آن و کالاهای مجاز و معاملات آنها و غیر قابل توسعه تاسیس شعبات و نمایندگی هادرتمام شهرستانها و مشارکت با شرکتهای ساختمانی و تاسیساتی و بازرگانی

۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان آپادانا شماره ۴۳

۳- سرمایه شرکت: مبلغ دویست میلیون ریال تمام

۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان مهندس بیژن وحیدی و مهندس اصغر فوقی و مهندس علیرضا اردیبهشت و مهندس حمید نورکبهانی مدیران شرکت میباشند که آقای مهندس نورکبهانی بسمت مدیرعامل و مهندس اصغر فوقی بسمت رئیس هیئت مدیره شرکت برای مدت نامحدود انتخاب گردیدند که حق امضاء کلیه چکها و سفته ها و اسناد خرید و فروش اوراق بهادار و قراردادهای خرید و فروش و قراردادهای مناقصه و کلیه اسنادی از این قبیل با دوامضاء به امضاء آقای مهندس حمید نورکبهانی و آقای بیژن وحیدی بجهت شرکت خواهد بود و اوراق عادی و نامه های دیگر از قبیل نامه های اداری و ابلاغ های خدمتی و فسخ خدمت و اجازه نامه و مزارعه نامه و کلیه اوراق و نامه های اداری کلیه اوراق و نامه هایی از این قبیل با امضاء مدیرعامل نافذ خواهد بود.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

یحیی مدنی

۳-الف

آگهی تغییرات شرکت مهندسی مشاور نیسیا با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۱۹۷۶۸ ۳-الف

برابر صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۵۷/۵/۲۴ شرکت نامبرده بانوپورا ندرخت رضوی و آقای علی فرهنگ رضوی کلیه سهم شرکت خود را و بانو مینو را زبان و آقایان پیروزان امین الصبحه و محمد رضا اربابیان هر یک ده هزار ریال از سهم شرکت خود را بموجب سند شماره ۵۷/۸/۲۳-۴۴۶۱۲ دفتر خانه ۲۰۰ تهران به آقایان مهندس حسن خشیار شایسته فرزند حسین بشناسنامه شماره ۲۶۳ تهران و مهندس رضا احمدزاده قرخلاری فرزند هاشم بشناسنامه شماره ۱۴۵۸۷ تهران و مهندس شاهرخ فرهنگ فرزند اسماعیل بشناسنامه شماره ۳۴۰ تهران واگذار نمودند و بانو پورا ندرخت رضوی و آقای علی فرهنگ رضوی از شرکت خارج شدند و دیگر حقی و ستمی در شرکت ندارند لکن در سرمایه شرکت تغییری حاصل نشد و میزان سهم شرکت هر یک از آقایان مهندس پیروزان امین الصبحه و محمد رضا اربابیان و خانم مینو را زبان مبلغ پنجاه هزار ریال میباشد ضمناً آقای مهندس پیروزان امین الصبحه بعنوان مدیر عامل و عضو هیئت مدیره و آقای مهندس محمدرضا اربابیان بسمت رئیس هیئت مدیره و خانم مهندس مینو را زبان و آقای مهندس حسن خشیار شایسته بسمت امضاء هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند و حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و مالی و سفته ها و بروات و اوراق تعهد آور و عقد قراردادهای با امضای دونهفر از اعضای هیئت مدیره متققا و بامهر شرکت دارای اعتبار خواهد بود.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

آگهی تاسیس شرکت سوپر کودیراکسپرس کویراکسپرس محدود ثبت شده بشماره ۳۱۳۵۸ ۳-الف

شرکت سوپر کویراکسپرس با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۵ تحت شماره ۳۳۴۵۲ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود: ۱- موضوع شرکت: مبادله اوراق و اسناد بهادار در سطح ایران و خارج از کشور کرایه و خرید و فروش اتومبیل نقد و اقساط - حمل و نقل زمینی و دریایی و هوایی - تدارکات - صادرات - واردات - و ترخیص کالا از کلیه گمرکات کشور و کلیه امور بازرگانی و بازاریابی و تبلیغات - تهیه مسکن اجاره و خرید و فروش - شهرک سازی آپارتمان ویلا سازی و راهسازی و کلیه امور مربوطه به ساختمان از قبیل تاسیسات و دکوراسیون و اخذ هرنوع نمایندگی از داخل و خارج از کشور و کلیه کالاهای مجاز و کارهای مربوط بحق العمل.

۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان روزولت شمالی بین تخت طاوس و عباس آباد ساختمان ۱۲۱ طبقه پنجم شماره ۱۶

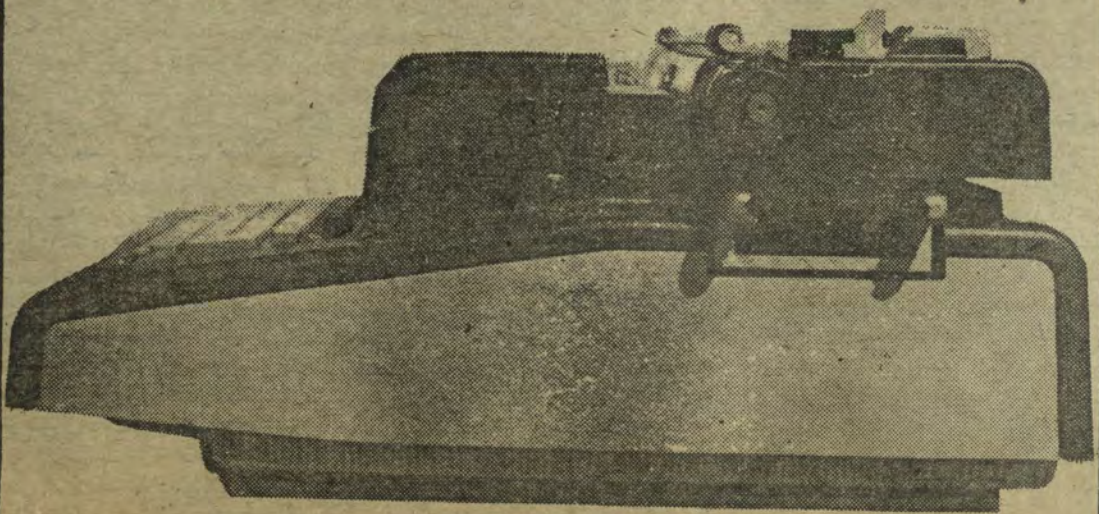
۳- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال

۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان میرزا آقاجانی زمین بسمت رئیس هیئت مدیره و مسعود هروی بسمت مدیرعامل برای مدت نامحدود تعیین و امضاء کلیه اوراق و اسناد مربوطه به شرکت از قبیل چک و سفته و بروات و قراردادهای تعهد آور و اسناد رسمی و اوراق عادی و مکاتبات اداری با هر دونهفر مدیران متققا و بامهر شرکت معتبر میباشد و هر یک از مدیران میتوانند حق امضاء و یا اختیارات خود را طبق وکالت نامه رسمی بیکدیگر و یا با شخص دیگر تفویض نمایند.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

تجربه و تکنولوژی پیشرفته تراست که ابیوتی را

متمايز مپسازد



olivetti

ابیوتی با تکنولوژی ۷۵ ساله

آگهی تاسیس شرکت پانتیان با مسئولیت محدود ۳-الف

شرکت پانتیان با مسئولیت محدود در تاریخ ۵۸/۱/۱۸ تحت شماره ۳۴۴۷۹ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

۱- موضوع شرکت: واردات انواع کاغذ دیواری - موکت و وسایل تزئینی ساختمان و توزیع و فروش آن در سطح کشور - واردات لوازم ضروری برای انجام موضوع شرکت مشارکت در سایر شرکتهایی که دارای موضوع مشابه باشند و بطور کلی انجام کلیه عملیاتی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم با شرکت بستگی داشته باشد یا اجرای آنرا تسهیل نماید.

۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان بلوار الیزابت کوی زانوس شماره ۱۵ طبقه ۲

۳- سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال

۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای محمدعلی هدایتی و مسعود هدایتی برای مدت نامحدود امضاء هیئت مدیره میباشند محمدعلی هدایتی رئیس هیئت مدیره و مسعود هدایتی مدیرعامل میباشند اسناد و مدارک تعهد آور از جمله چک و سفته و بروات و قرار دادها و غیره باید با امضاء رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل رسیده و مهور مهر شرکت باشد.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

۴-الف

آگهی تغییرات در انجمن نفت ایران ثبت شده بشماره ۴۱۶

طبق صورتجلسه مورخ ۵۷/۲/۳۱ مجمع عمومی سالیانه انجمن نفت ایران آقای یوسف کنجی بسمت رئیس آقایان علی اصغر ایرانی و حسین علی حجازی زاده و رضا کلهر بسمت نایب رئیس و آقای حسین مظفری بسمت دبیرکل و آقای ابوالقاسم فاضل سرجوئی بسمت خزانه دار و آقای محمود پیدایش بسمت مسئول انتشارات فنی و آقای ابوالفضل فرید بسمت مسئول انتشارات غیرفنی و همچنین آقای اسماعیل اسلامی بسمت نماینده شورا در کمیته حفاظت فنی تاسیسات صنعتی و آقای امان اله جعفری بسمت نماینده شورا در کمیته زمین شناسی و آقای کمال الدین دری بسمت نماینده شورا در کمیته پالایش و آقای جلال یزدی بسمت نماینده شورا در کمیته گاز آقای بهرام ملک منصور بسمت نماینده شورا در کمیته حفاری و تولید و آقای خسرو دورقی زاده بسمت کمیته پتروشیمی و آقای سعید شیبانی بسمت کمیته اعتماد مقدم بترتیب بسمت نمایندگان شورا در کمیته الودگی محیط و پرویز ایمنی و پیشگیری آتش برای دوره بیستم انجمن نفت ایران در سال (۱۳۵۷ و ۱۳۵۸) تعیین شدند و نیز آقای ایرج تقدیری بسمت حسابرس انجمن برای دوره بیستم انتخاب گردیدند.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

اطلاعیه وزارت کار و امور اجتماعی ۳-الف

مرکز کاریابی و اشتغال شماره یک با اعلام فرصتهای اشتغال زیر:

۱- کارگر ساده ۲۰۰ نفر - تراشکار سربکار ۱۰ نفر قالب

ساز تراشکار ۵ نفر - بافنده ۲۰ نفر - چرخکار زن و مرد ۲۰ نفر -

ریخته گر ۱۰ نفر - نجار کفراژ بند ۱۵ نفر

از کلیه جویندگان کار در رشته های فوق دعوت مینماید برای

آگاهی از محلهای خالی کار بآدرس مرکز کاریابی و اشتغال

شماره یک خیابان امیرآباد جنوبی خیابان رهنما پلاک ۲۳ مراجعه

نمایند.

ش - ۳

آگهی تغییرات در شرکت سابود با مسئولیت محدود ثبت شده

بشماره ۳۱۳۵۸ ۳-الف

آگهی تغییرات در شرکت سابود با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۳۱۳۵۸ برابر تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۱ تغییرات زیر در شرکت مذکور بعمل آمد: ۱- آقای فرامرز طاهریان فرزند احمد بشناسنامه ۷۸۲ تهران با پرداخت مبلغ دویست میلیون و پانصد هزار ریال بصندوق شرکت در ردیف شرکاء قرار گرفت - ۲- آقایان: مهندس محمد حسین ارباب و محمد حسین موجی قشقانی هر یک با دریافت مبلغ یک میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال میزان سهم شرکت خود را تقبیل دادند - ۳- در اصل سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون ریال تغییری حاصل نشد و میزان سهم شرکت هر یک از شرکاء بشرح زیر میباشد:

الف - آقایان: مهندس محمد حسین ارباب و محمد حسین موجی قشقانی هر یک مبلغ سه میلیون ریال ب - آقای فرامرز طاهریان مبلغ دویست میلیون و پانصد هزار ریال ج - آقای علی اصغر صباح کوهی مبلغ یک میلیون ریال د - آقای منصور سیدبختی مبلغ پانصد هزار ریال - ۴- آقایان: مهندس محمد حسین ارباب و محمد حسین موجی قشقانی و علی اصغر صباح کوهی، منصور سیدبختی و فرامرز طاهریان بسمت امضاء هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند که آقای محمد حسین موجی قشقانی بسمت رئیس هیئت مدیره و آقای مهندس محمد حسین ارباب بسمت مدیرعامل و آقای فرامرز طاهریان بسمت مدیرمالی برگزیده شدند. حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار - چکها - سفته ها - بروات اسناد رسمی و تعهدآور یا دونهفر از سه نفر آقایان: مهندس محمد حسین ارباب - فرامرز طاهریان و محمد حسین موجی قشقانی و با مهر شرکت قرار دادها و اوراق عادی را مدیرعامل به تنهائی امضاء خواهد نمود.

مدیرکل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی یحیی مدنی

نقل از لوس آنجلس تایمز

۱۵ مارچ ۱۹۷۹

سخنگوی کمیته مسلمانان در آمریکا و مسأله سفارت ایران

دکتر یزدی تبعه امریکا است

ابراهیم یزدی معاون نخست وزیر ایران در امور انقلاب تبعه آمریکا است که زن و شش فرزند او در هوستن (تکراس) زندگی میکنند. یزدی دارو ساز مردی است شیک پوش و خوش قیافه که برای اولین بار در پاییز گذشته با خمینی بطور علنی ارتباط پیدا کرد. خمینی رهبر انقلاب اسلامی در آن زمان در پاریس در تبعید بسر میبرد و طغیان ملت را که منجر به خروج محمدرضا شاه از ایران شد هدایت میکرد. یزدی ۲۷ ساله سخنگوی خمینی در پاریس بود و در حال حاضر سرپرستی امور انقلاب را در دولت ایران بر عهده دارد او که یک نظر پرداز اسلامی است ظاهرا رابط بین خمینی و بازوگان نخست وزیر ایران است یزدی و همسرش در سال ۱۹۶۱ به ایالات متحده آمریکا آمدند و زن و فرزندان او که کوچکترین آنها ۶ ساله و بزرگترینشان ۲۳ است در محله ای اکرا ایلمی نشین بنام میدلند مدت ۸ سال است که زندگی میکنند. او اظهار داشت «من و شوهرم دوستان کلبی زیادی داریم ولی من فکر می کنم که

شهرم مخالف صهیونیسم است». خمینی و دولت جدید ایران سازمان آزادی بخش فلسطین را به اغوش گرفته و از صدور نفت به اسرائیل خود داری نموده اند. یک مقام وزارت خارجه آمریکا از اظهار نظر درباره نقش دوگانه یزدی بعنوان تبعه آمریکا و یک مقام رسمی قدرت خارجی ابا ورزید و جواب این سؤال را به وزارت دادگستری محول نمود. وزارت مهاجرت و تابعیت آمریکا ممکن است پاسخ این سؤال را داشته باشند. ورنه جرویس سخنگوی اداره مهاجرت و تابعیت اظهار داشت «خدمت در یک بست مهم سیاسی در یک دولت خارجی مدرک بسیار قانع کننده است دال بر رها کردن تابعیت و معمولاً منجر به اخراج از کشور میشود. چنین عملی نشانگر نیت انصراف از وفا داری به آمریکا است.» او گفت که دولت میتواند اقدامات قانونی که موجب شود یزدی تابعیت خود را از دست بدهد معمول نماید.

همسر یزدی تاکید کرد که او و شوهرش هر دو تابعیت آمریکا داشته اند ولی اضافه کرد «من مایل نیستم درباره آن صحبت کنم. این یک امر خصوصی است.» شعبه اداره مهاجرت و تابعیت آمریکا در شهرهوستون تاکید کرد که یزدی در سال ۱۹۷۱ در هوستون تبعه آمریکا شد. خانم یزدی اظهار داشت که شوهرش در سال ۱۹۳۱ در ایران در شهر کوچک قزوین متولد شده است آنها در سال ۱۹۶۱ وارد آمریکا شدند و ابتدا یزدی در ام ای تی مشغول مطالعه شد. به گفته زنش او از دانشگاه تهران دکترا گرفته بود. آنها بعداً به هوستون منتقل شدند و شوهرش در دانشکده پزشکی در «دانشگاه بیلر» بعنوان پژوهشگر سرطانات تا سال ۱۹۷۵ مشغول به کار شد و سپس به کارکنان بیمارستان ارتش (سازمان سربازان جنگنده) ملحق شد با سمت سرپرست میکروب شناسی طبق اظهار سخنگوی بیمارستان او این سمت را در سال ۱۹۷۷ ترک کرد. و بیش از ۲۶ هزار دلار در سال از بیمارستان حقوق میگرفت.

داشته است - جز وزارت امور خارجه. در اعلامیه گفته شده بود که بانک سپه را از دست نوکران شاه گرفته اند و از فعل و انفعالات جلوگیری کرده اند، وجوه نیروی دریائی را که در حال نقله شدن بوده بحساب برگشت داده و مراتب را بوزارت دفاع اعلام کرده اند در خرید گندم و مواد خوراکی مورد نیاز خدمات مرجوعه وزارت بازرگانی را انجام داده اند و... و... که حقا همه این خدمات شایسته

کمال تحسین می نمود. در این اعلامیه بشهادت یک وزیر کابینه جمهوری اسلامی اشاره شده بود که منظور آقای دکتر صدر وزیر بازرگانی هستند سخنگوی کمیته اضافه کرده بود که وزارت امور خارجه بکتابیات این کمیته که بدستور امام خمینی باین ماموریت برگزیده شده جوابی نداده و هم چنین کاردار اعزامی وزارت خارجه ایران بامریکا را متهم کرده بود که وکیل انتخابی برای این قبیل امور را از گروه طرفداران شاه انتخاب کرده است.

مستولان وقت وزارت خارجه در برخورد با اقدام یزدی

در برابر این مطالب بالاخره مستولان وقت وزارت امور خارجه سکوت را شکستند و آقای دکتر سلامتیان ضمن رد مطالب بالا گفت که آقایان اولاً نماینده اعزامی

حضرت ایت اله العظمی خمینی را که ایت اله زاده حائری بوده سفارت راه نداده اند، ثانیاً آقای اعتصام را که عنوان کاردار داشته است بسفارت نپذیرفته اند و باصوابدید دو تن از پارانشان در

تهران مستقیماً با وزارت خارجه و دفاع آمریکا تماس داشته اند، سفیر و وزیر به ایران آورده و کلاهی را هم با هزینه هنگفت استخدا کرده اند و چند بار وعده ارسال اسناد مهم را داده اند و نقرستاده اند.

چرا با آبروی مملکت بازی میکنید؟

اعلام مطالب تاسف بار بالا که پس از مسافرت آقای دکتر سلامتیان به قم و دیدار با حضرت ایت اله ایراد شد واقعا هر ایرانی را در بهت و تاسف فرو میبرد که چرا سرنوشت انقلاب ما باین روز افتاده، چرا با آبروی مملکت بازی

میکنید، انهم بیچه بازی، ما از شنیدن خبر تمد از دستور وزیر خارجه وقت سخت در تعجب بودیم ولی وقتی میشویم که فرستاده امام را هم بسفارت راه نمیدهند سفارتخانه را بیار انداز تبدیل کرده اند واقعا تحمل ما را از دست میدهیم اینها کی هستند؟ کجا بوده اند؟

مگر ملت ما مملکت ما که هنوز تاوان داماد شاه را در برابر افسکار جهانیان پس نداده باید گرفتار تاوان دهی داماد یزدی بشود. آخر این حضرات چه گلی بسر ما زده اند؟ واقعا هر ایرانی حق دارد از رویه دولت در شکفت باشد و مرتباً از خودش بیرسد چرا و چرا و هزاران بار دیگر باز هم چرا؟

قانون مهاجرت تابعیت آمریکا قسمتی از متن سوگندنامه ترک تابعیت و وفاداری

بخش ۳۳۷ - کسی که تقاضای تابعیت نموده است باید برای اینکه قبل از اینکه به او تابعیت اعطا گردد در دادگاه علنی سوگند یاد کند که (۱) از قانون اساسی ایالات متحده آمریکا پشتیبانی نماید. (۲) هر نوع وفاداری و وابستگی به هر سلطان و حاکم و کشور و حاکمیت خارجی را که متقاضی پیش از این تابع یا خادم آن بوده است بطور قطع و یقین بدور بیندازد. (۳) از قانون اساسی و قوانین ایالات متحده آمریکا در برابر دشمنان خارجی و داخلی حمایت و دفاع کند. (۴) نسبت به قوانین مذکور صدیق و وفادار باشد (۵) الف) - هنگامیکه قانون مقتضی بداند به حمایت آمریکا اسلحه بدست بگیرد و یا (ب) - در نیروهای مسلح ایالات متحد آمریکا طبق قوانین خدمات غیر رزمی انجام دهد و یا (ج) - طبق قوانین به انجام کارهای مهم ملی تحت نظر مقامات غیر نظامی بپردازد. چنین کسی مکلف است نسبت به محتوی مواد (۱) تا (۵) جمله قبلی سوگند یاد کند بااستثنای کسی که با اقامه دلیل و مدرک مورد تأیید دادگاه تابعیت ثابت کند که به علت تعلیمات و معتقدات مذهبی مخالف حمل اسلحه در نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا است و در اینصورت نسبت به مواد (۱) تا (۴) و (۵) (ب) و (۵) (ج) سوگند یاد میکند.

نامه از لوس آنجلس وزیر خارجه انقلاب اعتمادالدوله را روسفید کرد

آقای مدیر روزنامه پرخاش، ایران ما روزهای سرنوشت سازی را می گذرانند - هر ایرانی وطن پرست و مسلمان چه در داخل و چه در خارج نگران این است که آیا بالاخره آن ایران رویائی و آرمانی پیروز و سرفراز از خرابیهای انقلاب شکره مند خود خواهد رونید یا خیر. در این مرحله بحرانی و حساس که عوامل ارتجاع و استثمار گوناگون هر یک از گوشه برای کشاندن انقلاب به جهت های فکری خود می کوشند آثانی که ایران را فقط برای ایرانی و در جهت ایران می خواهند وظیفه ای بسیار خطیر بعهده دارند...

نگارش این نامه برچین احساس مسئولیتی مبتنی است و انگیزه های آن مقاله ای است که اخیراً در روزنامه لوس آنجلس تایمز مورخ ۱۵ مارچ ۱۹۷۹ انتشار یافته است. این مقاله نه فقط در ذات خود معنی دارست بلکه آنچه به آن بعد وحشت ناک می دهد قسم نامه ای است که ترجمه ای آن نیز ضمیمه است. در کتاب سیاستگران دوره قاجار بقلم خان ملک ساسانی مورخ راستین ایران نامه ای چاپ شده است که خلاصه ای آن این است: وقتی که پس از قتل امیرکبیر از میرزا آقاخان اعتمادالدوله (نضرا له نوری) جانشین آن مرد بزرگ دعوت می شود، اعتمادالدوله نامه ای به سفیر انگلیس می نویسد و اجازه میخواید که (ظاهراً برای آسودگی وجدان) از تبعیت دولت انگلیس معاف گردد و سفیر انگلیس درحاشیه نامه می نویسد که (سگ انگلیس بودن برصدرات عظمای ایران شرف دارد) آیا تاسف آور نیست که امروز هم ماجرای یک قرن و نیم پیش بصورت وحشت انگیزتری تکرار شود؟ انهم پس از این همه کشتار و در اوج چنین انقلاب شکره مند ایران و حتی لااقل بدون رعایت نراکسی که اعتمادالدوله ها رعایت می کردند. برای اطلاع جنابعالی باستحضار میرساند که اولاً بسیاری از محکومان سیاسی کشور در آمریکا مانده اند و فقط بداشتن کارت سبز بسنده کردند و یا از کشورهای (مانند سوریه) که پاسپورت گرفتند آنها نیازی به ترک تابعیت و یا قبول تابعیت جدید نداشته گذرنامه گرفته و فعالیت های سیاسی و ملی خود را ادامه دادند. آمریکا جزو کشورهای معدودی است که گرفتن پاسپورت از آن بدون قبول تابعیت و قسم خوردن امکان ندارد. ما نمیدانیم اکنون که این ماجرا به اطلاع مردم این مملکت می رسد با این لطمه ی هولناکی که به حیثیت جهانی ایران خورده است چگونه روبرو خواهند شد و اثر این اقدامات در روحیه ی مردم ما چه خواهد بود؟ آیا سزاوار است درحالی که امام ما و مردم ما مرتب از امپریالیزم آمریکا می نالند در اس حساس ترین وزارتخانه ی مایک تبعه ی قسم خورده ی آمریکا قرار گیرد؟

در باره اقامت و تابعیت در آمریکا باید بدانیم که:

- ۱- علائق و ارتباطات خود را در برابر دادگاه نفی کند و ملیت و کشور اولیه خود را برای همیشه در پای تابعیت جدید قربانی سازد
- ۲- برای احراز تابعیت باید مقیم بود و کارت سبز گرفت و پس از اخذ کارت سبز و گذشتن پنج سال میتوان تقاضای تابعیت کرد.
- ۳- تقاضای تغییر تابعیت نباید با عنوان اقامت اشتباه شود چه هستند اشخاصی که سالیان دراز در آمریکا بوده و با حفظ تابعیت قبلی خود کارت سبز اقامت نیز دریافت کرده اند این قبیل مقیمان از تمام مزایای سایر افراد بهره مند هستند
- الف - داشتن پاسپورت آمریکائی
- ب - دادن رای در انتخابات آمریکا
- ج - اشتغال در سازمانهای وابسته بدولت فدرال مرکزی بنابراین باید توجه کرد که استدلال ضرورت تبدیل تابعیت برای اقامتی که آنرا اضطراری خوانده اند بهیچوجه صحیح نیست و حتی کسانی چون دکتر شایگان سالیان دراز مقیم بوده اند ولی تابع زاده که گذرنامه سوری گرفته بود ترک تابعیت ایران را نکرده است و در بین این گروه منحصراً شخص آقای دکتر یزدی هستند که تابعیت آمریکا را پذیرفته تبعیت ایران را نفی کرده و بخدمت ارتش آمریکا نیز در آمده است.

خرابرد؟

بقیه از صفحه ۱

قری روبرو میشد زبانش بند میآمد. خاله قزی موجود بدبختی بود که محکوم بذلت و خواری بود بالاخره با سلام و صلوات این موجود سیه رور را از کنج خانه بیرون کشیدند. بفکر خودشان میخواستند شخصیت و استقلال روحی باو ببخشند مگر که بیانشند تا خاله قزی توانست قدی علم کند و در جامعه اظهار وجودی نماید اما هنوز جادر و جاقچور را تا نکرده بود کنار بگذارد که از آن کول افتاد. برای اینکه قرنهای خانه نشینی و اسارت را تلافی کند شروع بدوبدن کرد تا زودتر خود را بخواهران تمدن خویش برساند متأسفانه بعضی اینکه از راه راست و مستقیم برود براه را انتخاب کرد محسنات زندهای تمدن دنیا را ندیده گرفت و قیایح اعمال آنرا با حرص و ولع غربی تقلید کرد. اما آنها هر روز دراز تر و دامان پیراهن کوتاهتر. برای انتقام گرفتن از جاقچور های زمتخت و بد ریخت ساقه های بلورین با های لخت و برهنه در معرض نگاه ناپاک جوانان بوالهوس گذاشته شد مست و لایعقل در محافل انس خود را در اغوش مردان بیگانه انداخت تا حق فوکسترت و تانگو را ادا کرده باشند خاله قزی بیچاره از ریخت و قیافه آبیگی گلین یکباره بصورت دیانا دوربین و دو رتی لامور در آمد در حاشیه میز بوکر نشست و دل کافر و مسلمان را برد و تعجب اینجاست که هیچ مسلمانی پیدا نشد از این مخدره بیرسد خاله قزی! جادر قرمزی! خدا برود؟ یعنی در آن روز ها هیچکس جرئت نمیکرد همچو سوالی بکنند. بیشتر مومنینی که امروز سینه سپر کرده و سنگ دین و مذهب را بسینه میکوبند آنروز از ترس نا هزار و یکدلیل ثابت میکردند که راه راست همین است که خاله قزی میروند خلاصه نتیجه آنهمه افراط کاریها این شد که امروز کسبه و تجار آنها که خمس و زکوة خود را تا شاهی آخر پرداخته اند. آنها را که صفحه قلبشان از آئینه صافتر و پاکتر است تصمیم گرفته اند خاله قزی را برگردانند جای اولش میدانید جای اولش کجا بود؟ پشت



عکس از: بهروز خواجه گیری

روز ۲۹ فروردین روز ارتش در آبادان

خانواده های آواره نقره درمهاباد تلگرافی داریم بامضاء آقایان اسماعیل ساوجبلاغی - محمد خادمی - مهندس شافعی - مناف خسروی - حاج اسماعیل امامی و عبدالله زرد که اعلام داشته اند جنگ خانگی بر مردم کرد و ترک نقره تحمیل شده خانه ها و منازل مردم را زیر حمایت تانک آتش

مردم مبارز ایران - خوانندگان عزیز شهرستانها در پرخاش صفحه ای برای انعکاس نظرات مردم مبارز شهرستانها اختصاص داده ایم با ارسال اخبار شهر خودتان با ما همکاری کنید و خواسته های حقه خود را با ما در میان بگذارید.

حبیب اشراقی رئیس کمیسیون چماق در تکمیل خبر شماره گذشته روزنامه درباره اعضای کمیته چماق داران اصفهان نام حبیب اشراقی رئیس کمیسیون چماق از قلم افتاده است که اصلاح میشود.

اصطاد باش وصلت فرخنده آقای علی خمرانی وینا را بخانواده محترم خمرانی تبریک میگوئیم.

تا بو بیچاره خانمهای تحصیل کرده و حساس بدبخت بانوانی که همیشه جنبه اعتدال خود را از دست نداده و مفهوم حقیقی رن هستند فقط آن ها هستند که باید کفاره گناهان زنهای افراطی را بدهند زیرا گناه را آنها میکنند و اینها مجبورند توبین و تحقیر متمصلین را تحمل کنند. از شماره ۴۴ پرخاش بتاریخ دوازدهم بهمن ۱۳۲۶ این مطلب را پس از ۳۲ سال

عینا نقل کردیم که طرفین غیر متخاصمین بداندان داستان بانوان و رفتارشان در کشور ما مربوط بدیروز و امروز و شاید فردا و پس فردا هم نباشند اکنون که بتدبیر عقلا ی قوم آتش اختلاف فروکش کرده هم بانوان تحصیل کرده و ذهنیم و هم علاقمندان بدین مبین متوجه حساسیت زنان شده اند توقع میروند هرگز افراطی نکنیم تا نفری پیش نیامد.

پرخاش

دارنده و مدیر **امیدوار**

نشانی: پیچ شمیران خیابان دکتر شریعتی
کوچه شقایق پلاک ۲ تلفن ۷۶۳۱۶۴

تحت نظر شورای نویسندگان

شماره ششم دوره پیروزی

سی و سومین سال تاسیس

شماره مسلسل ۲۳۷

روزهای انتشار چهارشنبه

بهای آگهی هر سطر ۳۰۰ ریال

کارگر: روزت مبارک

روز اول ماه مه فرصتی بود که رهبران مذهبی و گروههای دیگر دیدگاههای خود را درباره کارگر و مسائل کارگری، بیان کنند و دستجات سیاسی نیز از این فرصت برای ارائه موقعیت خود در این کارگران استفاده برند. تظاهرات پرشور بود و دیگر طبقات نیز در جشن کارگران و بنفج کارگران تظاهر کردند. مشارکت فعال همه مردم در اولین جشن کارگری پس از سقوط رژیم عکس العمل طبیعی اختناق ۲۵ ساله بود و در اولین روز کارگر در جمهوری اسلامی همه مردم فریاد میزدند: کارگر روزت مبارک

سفیر پابرهنه ها و سفیر زحمتکشان

هفته گذشته بمناسبت قطعی شدن مأموریت دکتر محمد مکری در مسکو از طرف سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تهران ضیافتی بشام در سفارت شوروی بر پا بود که در آن عده ای وزراء و روزنامه نگاران و اولیاء وزارت امور خارجه و سفارت شوروی شرکت داشتند پس از انجام مراسم رسمی و سخنرانیها دو سفیر بگفتگوی دوستانه نشستند و هنگامیکه سفیر شوروی در ایران ضمن گفتگو دریافت که همکار ایرانی او در تهران منزلی ندارد و شب ها را در منزل دوستان بپوشه میزند گفت ما از این لحظه دیگر با هم دوست هستیم من هر وقت بمسکو بیایم در منزل شما اقامت خواهم کرد و انتظار دارم شما هم در تهران در منزل من اقامت کنید خبر نگار پرخاش این تعارف دیپلماسی را نشانه ای از همبستگی طبقه مستضعف و پابرهنه با زحمتکشان شوروی دانست و تأییدی بر نظریه دکتر مکری که مرز فرهنگی ایران و شوروی را از مرزهای جغرافیایی افزونتر میدانند - دکتر مکری هفته پیش بمسکو عزیمت کرد.

دکتر غلامحسین صدیقی و امیدهای آینده

ناظران علاقمند بسرنوشت کشور با توجه بگرفتاریهایی که دولت با آن دست بگریبان است و با اذعان باین حقیقت که مسائل عمومی کشور از یکسو و عدم توانایی در حل مشکلاتی که یکی از پس دیگری در کشور رخ مینمایند بخدمت گرفتن نیروهای جدیدی را اجتناب ناپذیر ساخته است اعتقاد دارند که باید دستجات صالح برای قبول مسئولیت آمادگی بیشتری داشته باشند و در صورت لزوم بکمک دستگاه بشتانند یا خود مسئولیتهائی را عهده دار شوند در میان امیدهاییکه مردم بانها دل بسته اند و تعدادشان بنعداد انگشتان دست هم نمیرسد بیشتر چشمها بسوی دکتر غلامحسین صدیقی دوخته شده است. دکتر صدیقی که با رد دعوت شاه برای تشکیل دولت موقع خود را در میان آزاد مردان تحکیم بیشتری بخشیده است روزهای چهارشنبه طبق معمول سنواتی علاقمندان را میبیزیند و طبق اطلاع شوق و علاقه ایکه در دیدارهای هفتگی نسبت باین شخصیت دانشمند و آزاده ملی ارائه میشود نشانه اقبال و توجه عمومی نسبت بایشان تلقی گردیده و دکتر صدیقی را سمبلی برای امیدهای آینده ایران جلوه گر ساخته است.

دکتر صدیقی وزارت خارجه را نپذیرفته است

یکی از دوستان پرخاش که در دولت شرکت دارد در توجیه علت انتخاب آقای دکتر یزدی بوزارت امور خارجه اظهار داشته است که استاد دکتر غلامحسین صدیقی دعوت دولت برای شرکت در کابینه و تصدی بست وزارت خارجه را نپذیرفته است و هم چنین آقای دکتر علی اکبر سیاسی نیز از قبول این شغل سر باز زده است و در نتیجه آقای باررگان که کس دیگری را نداشته است ناگزیر آقای یزدی را برای اینکار انتخاب کرده است.

توجه آقای باررگان را باین نکته جلب میکنیم که قبلا باید علت عدم قبول و رد همکاری عناصر موجه با دولت خود را بر رمی کنند و بدانند که چرا اشخاص شایسته ای چون دکتر صدیقی پیشنهاد دولت را رد میکنند و بعد در صدد رفع مشکل بر آیند تا انشاء الله همه افراد صالح شوق بیشتری در همکاری با دولت نشان بدهند.

بازگشت مهندس زیرک زاده

اطلاع یافتیم آقای مهندس احمد زیرک زاده مبارز یامرد و کهن سال نهضت ملی و یار صدیق دکتر مصدق که در روز ۲۸ مرداد در منزل پیشوا گرفتار حمله اوباش شد و بایش شکست از مسافرتیکه اخیرا برای معالجه بخارج کشور کرده بود بطهران بازگشته است مراجعت این مفر متمکر و شخصیت بی چون و چرای نهضت را بهمه مبارزان شاد باش میگوئیم.

بالاخره اعضاء ساواک چند نفرند

آقای امیر انتظام در مصاحبه اخیر خود گفته اند اعضاء ساواک بین پنجهزار تا هشت هزار نفرند و دولت هم مشخصات کامل آنانرا در اختیار دارد ظریفی میگفت اگر پنجهزار نفرند چرا هشت هزار و اگر هشت هزار نفرند چرا پنجهزار و بالاخره تکلیف سه هزار اختلاف چه میشود.

بهر صورت انتشار اسامی این خیر فروشان مورد تقاضای مردم است و انتشار لیست این ناپاکان که از راه نملی اتراق میکرده اند در پاکسازی محیط فکری جامعه لازم است و همه مردم در باره ان اصرار دارند.

برنامه سوء قصد در مزار افشار طوس

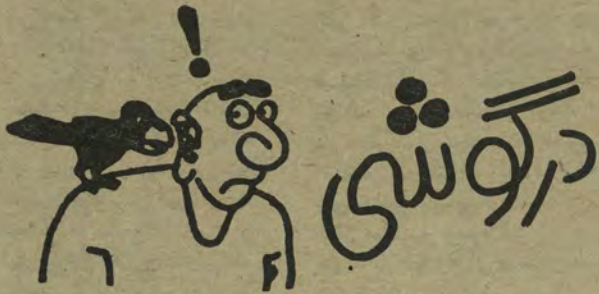
در جریان مراسم تجلیل از سرلشکر افشار طوس رئیس شهید شهربانی دکتر محمد مصدق که بر مزار آن مرحوم در کنار بیمارستان تجریش بعمل آمد پیشنهاد شد که بیمارستان رضاییهوی سابق بنام افشار طوس نامگذاری شود که پیشنهاد مورد تأیید همه حاضران قرار گرفت خبرنگار پرخاش گزارش داده است که در این جلسه سوء قصدی علیه چند تن از وزرای کابینه کشف شده و چهار نفر مسلح که برای اینکار مأموریت داشته اند دستگیر شده اند گفته میشود داریوش فروهر وزیر کار یکی از هدفهای این سوء قصد بوده است.

مهندس حسینی و مدیریت شرکت گاز

بقرار یک خبر منتشر نشده به آقای مهندس کاظم حسینی سردار شایسته نهضت ملی ایران پیشنهاد شده است که مدیریت عامل شرکت ملی گاز ایران را بپذیرند و ایشان بعنوان خستگی از قبول این مسئولیت سر باز زده اند.

توطئه ادامه دارد

اطلاع یافتیم که در روز تشییع جنازه تیمسار قره نی یکی از حامیان دسته گلی مورد سوء ظن قرار گرفته و در زیر گل یک بمب کشف کرده اند و آورنده گل هم باهفت تیر مسلح بوده است ناظرین بیطرف بانوجه به این تحریکات بوجود یک مرکز خطرناک توطئه علیه حکومت انقلاب پی برده اند که میسراند ریشه تحریک عمیق است که طبق اظهار سخنگوی دولت استاد دانشگاه برای جلوگیری از کار کردن کارگران در خوزستان بهر نفر یکصد ویست تومان پرداخته است با اعتقاد ما باید در برابر این تحریکات شدت عمل نشان داد و اجازه نداد - عوامل ضد انقلاب باسرنوشت مردم بازی، ک-



حوزه علمیه مشهد و شیراز تعطیل شده اند

طبق اطلاع واصله در دنباله اختلافات حاصله در زمینه مقاله فاشیستی روزنامه اطلاعات و اهانتی که بساحت حضرت آیت اله العظمی شریعتمداری بعمل آمده بود حوزه علمیه مشهد تعطیل شده است هم چنین در اثر بی احترامی هائی که بایات عظام محلاتی و دست غیب از طرف بعضی اشخاص بعمل آمده آقایان نیز دفاتر خودرا تعطیل و گویا به پوشه رفته اند و تلگرافات حضرت آیت اله شریعتمداری هم نتوانسته است انانرا بر مراجعت و ادارد ما از این اقدامات کودکانه که نسبت بمرجع اعمال میشود متناقصیم.

امیرحسینی یا حسینی

دادستان انقلاب تهران کیست؟

چون آقای زواره دادستان انقلاب تهران از سمت خود استعفا داده بودند از طرف سازمانهای مسئول آقای امیرحسینی قاضی دادگستری برای این سمت کاندیدا شده اند ولی ایشان قبول سمت را موکول بحکم پیشوای انقلاب کرده اند که فعلا در دست رسیدگی قرار دارد آقای امیر حسینی همان قاضی معروفی است که در جریان محاکمات دانشجویان یا عنوان نماینده دادستان بجای دفاع از کیفرخواست از دانشجویان دفاع کرد و انانرا بیگناه خواند. اینک بمناسبت بلاتکلیفی کار دادستانی انقلاب در تهران که زندان قصر را هم در اختیار دارد آقای حسینی یکی از روحانیون برای اینکار نامزد شده اند ولی شنیدیم که آقای زواره عملا از کارکناره نگرفته و ابوابیجی خود را تحویل نداده اند

اموال خلعتبری مصادره نمیشود

اطلاع یافته ایم بر اثر مراجعه دختر خلعتبری وزیر خارجه رژیم سابق با مقامات انقلابی دایر به مطالبه وسائل شخصی بشارالیهها گفته شده است که نه تنها اموال شخصی ایشان مسترد میشود بلکه از اموال پدرش که حکم مصادره ان صادر گردیده رفع زحمت خواهد شد چه با رسیدگیهائی که بعمل آمده مرحوم خلعتبری در حد ان مجازات نبوده است.

ارتشبد طوفانیان مجددا دستگیر شده است

خبر رسیده به پرخاش حاکی است ارتشبد طوفانیان رئیس صنایع نظامی دلال کلان معامله شاه سابق که از زندان گریخته بود در حین فرار وسیله یک موتورلج که از بنادر جنوب قصد گریز داشته است مجددا بازداشت گردیده است درباره فرار و یا فرار دادن طوفانیان شایعات زیادی بر سر زبانها بود که با دستگیری مجدد او پایان گرفته است

گفته میشود علت عدم افشای اینگونه اخبار رعایت جنبه های امنیتی بوده است

تمامی بانکهای خصوصی و دولتی

از همین قماش بوده اند

خبرنگاریانکی پرخاش اطلاع میدهد که همه بانکهای شاهنشاهی از صدقه سر حکومت طاغوتی وضعی داشته اند که بانک ایرانیان را باید بانک خوب و نمونه ان رژیم بحساب آورد و همه صاحبانان - خیامی دربانک صنایع لاجوردی در ایران و زاین رضائی در بانک شهریار - ایروانی در بانک تجارت خارجی و بالاخره آقایان علماء اقتصاد دربانک توسعه صادرات بهمین شیوه ها هر یک چندین برابر سرمایه بانک ها را تاراج و بخارج گریخته اند و جالب ترآنکه هر یک برای گریزپرداخت مالیات هم شیوه های مخصوصی داشته اند بطور مثال رضائی که همه بانک شهریار را مالک بوده است سهام بانک را ظاهرا هر سال یکبار با ضررین فرزندان خود معامله میکرد و بانسان دادن ضرروری مالیات دولت را هم از این ارقام بغمائی بالا میکشیده است.

کار افشاگری ها بالا گرفته است

در تظاهراتیکه بر علیه آقای خلغالی نویسنده مقاله معروف روزنامه اطلاعات و در تأیید حضرت آیت اله العظمی شریعتمداری در مسجد آذربایجانیهها بر گزار شده بود کار افشاگری ها بجا های نازک کشیده شد و یکی از سخنرانان اظهار کرده است که نویسنده مزبور اخیرا منزل هشتصد هزار تومانی خریداری کرده و ماشین اشرف پهلوی را هم با اختیار گرفته است طرفداران آقای خلغالی استفاده از ماشین اشرف را با مسئولیتی که ایشان در دادگاه انقلاب بهمه دارند توجیه کرده اند.

تظاهرات مسلمانان بر علیه مطبوعات

داستان اختلاف مسلمانان با روزنامه های شاهنشاهی بجاهای حساس رسیده میگویند در تظاهرات اخیر در مقابل پیغام امروز (که ناشر روزنامه انگر است) معترضین کارت عضویت بعضی از روزنامه نگاران در ساواک را ارائه داده اند ما از این مبارزان تقاضا داریم هر گونه اطلاعی درباره ارتباط مطبوعاتیها با ساواک دارند برای انتشار در اختیار پرخاش بگذارند در خاتمه لازم بذکر است که امتیاز روزنامه انگر بنام آقای مرتضی راوندی صادر و مدتها منتشر هم شده است و معلوم نیست گذاشتن عنوان انگر بر این روزنامه چه دلیل ایشان بوده است یا نه؟

حقوق بازنشستگی ماهیانه ۱۲۰ هزار تومان

اطلاع یافته ایم که آقای ابتهاج موسس بانک ایرانیان ضمن گذراندن مصوباتی حقوق بازنشستگی خود را در بانک ایرانیان بماخذ ماهی یکصد و بیست هزار تومان تسجیل کرده و تاماهای گذشته نیز انرا دریافت کرده است ضمن همین خبر آمده است که در طی این مصوبه تصریح شده است که حقوق آقای مدیر عامل سابق پس از مرگشان نیز مادام الحیات (نه مادام الحیات خودشان) بلکه مادام الحیات افزوده هاشان باید بانان پرداخت گردد ملاحظه میفرمایند در رژیم شاهنشاهی چه ضوابطی حاکم بوده است و از محل جپاول مردم چه پرداختهائی میشده است باید توجه کرد هزبیزدانی هم بانک را با همین مشخصات خریداری و در نتیجه مالکیت این بانک توانسته است پنج برابر سرمایه انرا یکجا ببلعد.

پاداش سه میلیون تومانی در یکسال

همین خبرنگار اطلاع داده است که در آخرین سال تصدی ابتهاج در بانک ایرانیان از محل در آمد بانک بنام سوویژه سه میلیون تومان بنام حق الزحمه آقای مدیر عامل به ایشان پرداخت شده است یعنی ایشان ماهی دوست و پنجاه هزار تومان هم باین عنوان برداشت میکرده اند.

تمدید اعتبار سالیانه برای چیست؟

این همکار ما اضافه کرده است که در دوران طاغوت بصورت تعرفه ثابت از اعتبارات واگذاری باشخاص موسسات حدود ده درصد اعتبار دریافت و بجهت مدیران بانکها سرازیر بوده است و بنظر این همکار ما علت برقراری سیستم تجدید اعتبار بصورت سالیانه فقط برای دریافت ده درصد کمسیون ان بوده است و جالب تر آنکه همه اعتبارات بانک توسعه صنعتی قریب ۲۰۰ واحد تولیدی ان نیز مشمول همین تعرفه بوده است.

همه بانکهای کشور ورشکسته هستند

بررسی گزارش دقیق وضع عمومی بانکهای کشور در دوره طاغوت میرساند که همه و همه تمامی موجودی خود و مردم را در برابر اسناد لاوصول و غیر معتبر باشخاص داده و موجبات خروج آنها را نیز فراهم کرده اند که اگر امروز اسناد خریداری بانکها را بررسی کنید خواهید دید که همه آنها اعم از دولتی یا شخصی چند برابر سرمایه خود کاغذهای بنام سند دارند که بکشاه انباشته شده و قابل وصول هم نیست.

اصل سرمایه و بهره های دریافتی

فقط بمصارف شخصی میرسیده است

یک بررسی کوتاه از وضع بانکها نشان میدهد که ملامت بانک اعتبارات تعاونی توزیع یکجا سرمایه نبودی خود را در شاهین شهر اصفهان بکار زمین بازی میدانند و با بردن شاه برای زدن کلنگ زمینهای بی بهاء را در بانکهای دیگر وثیقه گذاشته و اصل و فرع موضوع را بلطائف الحیل بخارج منتقل کرده اند بطوریکه نه از اصل سرمایه و نه بهره ان دیناری عاید مردم نشده است و اگر امروز کارکرد بانک تعاونی و توزیع را بررسی کنیم خواهیم دید که چگونه میلیونها دلار از طریق این بانک و بنام مالکان این قبیل شهرکها با آمریکا و اروپا منتقل شده و خود آقای رشیدیان هم که متأسفانه بیماری قلبی!! دارند در لندن اقامت گزیده اند.

باید بحساب این بانکها که دکانهای کلاهبرداری و سرقت سرمایه ملی بوده اند دقیقاً رسیدگی شود و ما از آقای دکتر مولوی رئیس کل بانک مرکزی میخواهیم سیاست بانک مرکزی را در برابر این جپاولهای انجام شده باطلاع مردم برسانند.

دکتر بهادری پزشکی که از اعدام نجات یافت

اطلاع یافتیم دادگاه انقلاب اراک دکتر اکبر بهادری نماینده اراک در مجلس منحل را بازداشت و در صدد بوده است که با عنوان مفسد فی الارض کارایشان را تمام کند، که همکاران نامرده بحضور آیت الله العظمی خمینی رفته و اسنادی درباره خدمات پزشکی نامرده ارائه میدهند بقرار اطلاع ایشان که از همکاران بسیار نزدیک رژیم بوده است با داشتن سابقه خدمت در بیمارستان قدس اراک و بیمارستان برزویه نیز در طول مبارزه مردم تیر خوردگان و زخمی ها را پذیرفته و بدون دریافت هزینه مداوا کرده است ارائه این گواهیها منتهی به توصیه آقا بدادگاه انقلاب اراک میشود و کسی که حتما باید حکم مرضی دائمی میگرفت با پرونده به تهران برای رسیدگی مجدد اعزام شد. و قرار است مجازات ایشان تقلیل پیدا کند، خبرنگار پرخاش اضافه میکند که دکتر بهادری همه ما میلک خود را با اختیار دادگاه گذاشته که بمصرف درمان مستضعفین بگذارند، این دارائی ها در حدود سی میلیون تومان برآورد شده است.

چرا دکتر صدر به سفارت ایران در آمریکا نرفت؟

خبرنگار پرخاش در تعقیب اختلاف حاصله میان کمیته آمریکا با وزارت خارجه ایران و آمریکا و برخوردی که از دو سو با آقای همایون روحانی فراهم شده است توفیق آقای دکتر یزدی را در تأیید روحانی در مقامی که عملا احراز کرده اند غیر ممکن میدانند چه اینان در تهران با وزارت خارجه ایران و در آمریکا با وزارت خارجه ایالات متحده درگیری داشته اند و بعید است آقای یزدی بتواند انانرا در این مقامات تثبیت کند بهمین مناسبت گفته شده است آقای دکتر صدر وزیر بازرگانی بعنوان سفیر کبیر ایران راهی آمریکا خواهد شد که باید دانست آقای دکتر صدر مدت ۲۲ سال متوالی در آمریکا زندگی کرده و بعلت اشتغال بمسائل بکار تجارت با سازمانهای اقتصادی و سیاسی آمریکا بیگانه نیست.

بقرار اطلاع با وجودیکه پذیرش هم برای آقای دکتر صدر خواسته شده بود شخصاً از قبول این سمت عنر خواسته اند، گفته میشود ایشان هم برای قبول این پست محظور قانونی داشته اند.

در توضیح خبر شماره قبل باید نام آقای طلیعه را از گروه یاغیان آمریکا حذف کرد چه ایشان با حکم وزارت امور خارجه به تهران منتقل شده و اطاعت هم کرده اند